

فهرست مطالب

۲

سخن ماه

اقتصادی

- ۳ سخنرانی جلالتمآب حامد کرزی در کنفرانس جهانی دوم بن
۸ فرمان ریاست جمهوری در مورد تقرر رئیس عمومی بانک مرکزی
۱۱ نقش محصولات زراعتی در تهیه مواد خام صنعتی
۱۵ پیسی مینخل او پر اقتصاد دهغی ناوړه اغېزې
۱۹ راه ابریشم و ضرورت احیای مجدد آن
۲۲ تجارت او د تجارت تاریخچه - قسمت دوم
۲۵ بررسی تسهیل پرداخت قرضه بانک ها به متبشین خصوصی
۲۶ حمایت جامعه جهانی از افغانستان در نشست دوم بن

جتماعی

- ۲۷ رونمایی بزرگترین قرآن کریم نفیس جهان در کابل
۲۹ سرمحقق عبدالباری راشد دانشمند سال ۲۰۱۱
۳۰ سخنرانی رئیس اکادمی علوم در چهلمین سالگرد شهید اچکزی
۳۴ گزارشی از کنفرانس نقش زنان در تحول جوامع اسلامی
۳۵ گنجینه های تاریخی حوزه مس عینک
۳۸ نمایندگی ها
۴۰ ورزش راز سلامتی
۴۲ نقش موسیقی در فرحت درونی انسان
۴۵ فواید چهار مغز
۴۷ اهمیت وقت و استفاده هدفمند از آن

ادبی

- ۵۰ نیستان (ویژه شعر و ادب)
۵۲ نگاهی به شرح مثنوی معنوی
۵۷ زنان سخنور
۵۸ جمله های طلایی
۶۰ حکایت
۶۱ زندگینامه مخدوم چستی
۶۳ محاوره اوزبیگی (۶)
۱ ... Commercializing Islam: a Worldly phenomenon and



صاحب امتیاز: غضنفر بانک
مؤسس: محمد اسمعیل غضنفر
مدیر مسوول: نور احمد فهیم

هیأت تحریر

سرمحقق عبدالباری راشد
پوهنیار سیف الدین سیحون
معاون سرمحقق شیر علی تیزی
معاون سرمحقق عبدالحکیم رامیار
دیزاینر: نویدالله محمدی

اداره ماهنامه غضنفر بانک در ویرایش
مقالات دست باز دارد.

آدرس: ۸۶۶ سرک عمومی شیرپور
کابل - افغانستان

شماره های تماس: ۷۹۷۸۶۰۰۸۸ (۰۹۳)
۷۹۹۴۲۸۳۶۶ (۰۹۳)

Email: magazine@ghazanfarbank.com
www. ghazanfarbank.com

چاپخانه: ستاره تلاش



آشنایی با بانک جهانی (World Bank)

کشورهای کم درآمد دنیا به دلیل نرخ بالای بهره، قادر به گرفتن وام در بازارهای بین‌المللی نیستند. این کشورها، علاوه بر کمک‌ها و وام‌های مستقیم از کشورهای توسعه یافته، از بانک جهانی اعتبار، وام بدون بهره و کمک فنی دریافت می‌کنند که به آنها توانایی تامین نیازهای اولیه و خدمات اساسی را می‌دهد. این کشورها ۳۵ تا ۴۰ سال برای بازپرداخت وام‌ها وقت دارند که تا ۱۰ سال قابل تمدید است.

یکی دیگر از خدمات این سازمان؛ کاستن بدهی کشورهای فقیر و مقروض (HIPC) است. این امکان باعث می‌شود که این کشورها به جای بازپرداخت وام آنرا صرف مسکن، معارف، بهداشت و برنامه های رفاهی برای مردم نیازمند، کنند. ضمناً بانک جهانی حمایت از مبارزه علیه ایدز را در راس برنامه های خود قرار داده و بزرگترین تامین کننده بودجه برای برنامه های ضد (HIV) در دنیاست. تعهدات فعلی این بانک به سازمان های مبارزه با ایدز بیش از ۱/۳ میلیارد دلار می باشد که نیمی از آن تنها به آفریقای جنوبی اختصاص داده شده است.

در حال حاضر ۱۸۰۰ پروژه در کشورهای در حال توسعه توسط بانک جهانی در دست اجراست. در میان این پروژه ها طرح ارتقای سطح آگاهی در مورد ایدز در گینه، تامین تسهیلات آموزشی برای دختران در بنگلادش، کمک به بازسازی تیمور شرقی پس از استقلال و کمک به بازسازی گجرات در هندوستان؛ و ... به چشم می خورد.

دفتر مرکزی بانک جهانی در واشنگتن است و حدود ۱۰۰۰۰ کارشناس توسعه در ۱۰۰ شعبه این بانک در سراسر جهان مشغول به کارند. هم اکنون ۱۸۴ کشور عضویت بانک جهانی را دارا می باشند و در حال حاضر در بیش از ۱۰۰ کشور جهان فعالیت دارد و بزرگترین سازمان بین المللی تامین کننده وام و خدمات مشاوره ای به کشورهای در حال توسعه و عقب مانده به شمار می رود.

منبع: اینترنت

بانک جهانی در سال (۱۹۴۴) به منظور بازسازی خرابی های ناشی از جنگ در اروپا، در قلب سازمان صندوق بین المللی ترمیم و توسعه (IBRD) متولد گردید. در سال ۱۹۴۶ واشنگتن به عنوان مقر دائمی این بانک انتخاب شد و اولین اقدام بانک در همان سال اعطای وامی به مبلغ ۲۵۰ میلیون دلار به فرانسه بود.

دامنه فعالیت بانک جهانی به سرعت گسترش یافت و حوزه عمل آن در بازسازی اروپا مبدل به کمک به توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای در حال توسعه و عقب مانده شده است و اولین وام آسیایی این بانک نیز به مبلغ ۳۴ میلیون دلار در سال ۱۹۴۹ به هندوستان اعطا شد. افغانستان در چهاردهم جولای ۱۹۵۵ به عضویت بانک جهانی و صندوق بین المللی پول درآمد و هم اکنون نیز یکی از اعضای آن می باشد.

بانک جهانی از دو موسسه توسعه ای تشکیل شده است. بانک بین المللی ترمیم و توسعه (IBRD) و کانون بین المللی توسعه (IDA). هر دو مؤسسه این بانک نقشی متفاوت ولی حمایت کننده در ماموریت این بانک برای کاهش فقر و بهبود سطح استانداردهای زندگی، ایفای کنند. سازمان های فوق مشترکاً برای کشورهای در حال توسعه وام های کم بهره، اعتبار بدون بهره و تامین اعتبار می کند. فقر بیش از ۱۰۰ میلیون کودک را از نعمت سواد آموزی محروم کرده است. مسأله کاهش فقر در شرایطی که جمعیت جهان رو به فزونی است و در پنجاه سال آینده حدود ۵۰٪ رشد خواهد داشت؛ چالش بزرگی است. بانک جهانی فعالیت های خویش را به کم کردن این فاصله و تبدیل منابع کشورهای ثروتمند به عاملی جهت رشد کشورهای فقیر معطوف کرده است. این بانک که یکی از بزرگترین منابع کمک به توسعه در جهان است از تلاش کشورهای در حال توسعه به ساختن مکاتب و مراکز بهداشتی، تامین آب و برق، مبارزه با بیماری و حفاظت از محیط زیست، حمایت می کند.



ماهنامه غضنفر بانک
Ghazanfar Bank Monthly Magazine

سال سوم - شماره ۳۴ و ۳۵ جدی و دلو ۱۳۹۰ خورشیدی

اقتصاد





پوهنیار سیف الدین سیحون استاد دانشگاه کابل

امکانات بهره برداری از منابع نفتی افغانستان

فرصت ها و چالش ها



افغانستان از نظر ظرفیت نهفته برای تامین انرژی زمینه مساعدی داشته و با بهره برداری از ذخایر نفت، گاز، انرژی افتاب، باد و آبهای جاری می تواند نیازمندی های مردم را به انرژی تامین نماید. بهره برداری از منابع ملی، در آغاز سرمایه گذاری، کاربرد تکنالوژی، فناوری، و مدیریتی گسترده ای را ایجاد می نماید که افغانستان فاقد این ظرفیت ها برای بهره برداری از منابع طبیعی خود می باشد. بناءً جلب سرمایه گذاری خارجی به هدف استخراج و بهره برداری منابع، الزامی تلقی می گردد. کشور ما در شرایط کنونی به ارزش دو میلیارد دلار مواد سوختی وارد می کند که مسلماً الگوی مناسبی برای کشور توسعه نیافته مانند افغانستان نمی باشد. در حالیکه بودجه توسعه افغانستان در سال جاری مبلغ ۱,۵ میلیارد دلار اختصاص یافته است. با این محاسبه به ارزش پنجصد میلیون دلار بیشتر از همه برنامه های توسعه کشور، مواد سوختی به مصرف می رسد. برای برون رفت از این نارسایی و دسترسی به انرژی دایمی، اقدامات سریع و عملی مطرح است. بهره برداری از منابع نفتی افغانستان در گام نخست شامل منابع قسماً استخراج شده غیر فنی را احتوا می کند و به تدریج ساحات جدید در حوزه غرب و جنوب شرق را در بر می گیرد. اجرایی شدن پروژه اثرات تسریعی و درآمدی و پیامد قطبی توسعه را در پی دارد. در اثرات تسریعی و درآمدی، دولت به عنوان شریک معامله از شرکت قرارداد کننده مالیات دریافت داشته

اخیراً قرارداد استخراج و بهره برداری از منابع نفتی افغانستان با یکی از شرکت های چینی بین وزارت معادن و شرکت مذکور به امضا رسید. هر چند افغانستان سه دهه قبل نیز شاهد تفحص و بهره برداری این منابع با همکاری فنی و اقتصادی شوروی سابق بود و استخراج نفت و گاز در حوزه آمو دریا به سال های ۱۹۶۰ میلادی برمی گردد، ولی این بهره برداری از نظر حجم و ظرفیت فنی، افغانستان را شامل حوزه دارندگان نفت و مشتقات آن نساخت، با قطع همکاری های سیاسی و نظامی شوروی سابق، عرصه همکاری این کشور در بسیاری ساحات از جمله نفت و گاز نیز متوقف شد. افغانستان صرفاً به وارد کننده مواد نفتی و سوختی مبدل شد. کشور ما در شرایط کنونی با اتخاذ سیاست جلب سرمایه گذاری خارجی، وارد فرایند جدید شده است که می تواند با حفظ منافع ملی و طرح دور نمایی، سیاستگذاری روی سرمایه گذاری مشترک در ساحه کشف، استخراج و بهره برداری بهینه منابع طبیعی و معدنی، قرارداد ها و همکاری های گسترده را سامان دهد. انرژی نفت کاربرد چند سويه داشته، مهم ترین کالایی استراتژیک جهان معاصر بوده و عامل پیچیده گی ها و دشواری های روابط سیاسی و نظامی بازی گران قدرت در دنیای ما ارزیابی می گردد. تقاضای روز افزون کشور های صنعتی پیشرفته و اقتصاد های نو ظهور به ارزش و اهمیت این کالا هر روز می افزاید، و قیمت آن با توجه به افزایش تقاضا، بلند رفتن قیمت فرآورده های مشابه، توسعه صنایع، وسعت گردشگری و انتقالات انبوه، روز افزون بوده چنانچه مصرف و قیمت آن سیر صعودی می پیماید. که در پنجاه سال گذشته قیمت هر بشکه نفت از سیزده دلار به یکصد و سی دلار افزایش یافته است.

کشور ما از نظر واردات مواد سوختی با جدی ترین چالش روبرو بوده، در مواردی با محدودیت و منع واردات و انسداد مسیر انتقالات، کمبود جدی و بلند رفتن قیمت را شاهد بوده که شهروندان با تلخ کامی، سیاست های مقطعی و ناکارآمد دست اندرکاران را در تهیه و تدارک آن شدیداً نكوهش کرده اند. اخیراً بلند رفتن سرسام آور بهای مواد سوختی بر زندگی مردم، معیشت، کار و اشتغال آنان تاثیر ناگواری را رقم زده است.



توسعی، ایجاد صنایع مرتبط با سکتور مورد نظر، فراهم آوری شرایط ارزیابی و نظارت از کارکرد جوانب قرارداد کنندگان، ایجاد دستگاه اداری کار آگاه و متعهد به منافع ملی ضامن سمت دهی درآمد ها در جهت رفاه اجتماعی بوده، آسیب شناسی دشواری های عملکرد چنین پروژه های بزرگ نیز دقیقاً ارزیابی و برای کاهش آثار مخرب آن برنامه ریزی دقیق صورت گیرد.

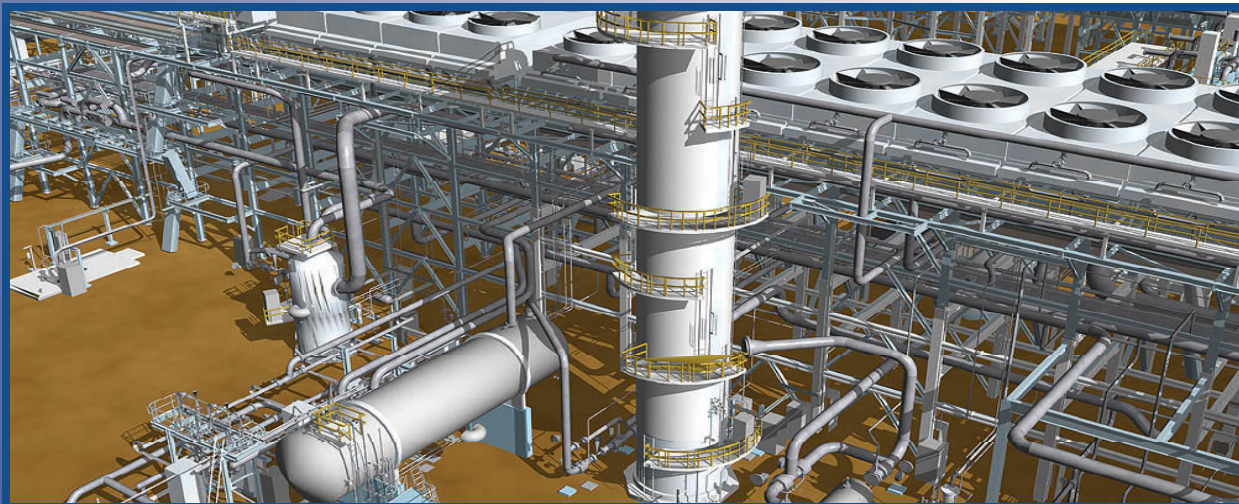
اگر برنامه پیشبینی شده و درونمایی در جهت سمت دهی درآمد مالی پروژه ها، برای بهره برداری اقتصادی موثر آن مطرح نگردد و تعهد الزام آور حقوقی و اراده کلان سیاسی برای تحقق چنین اهداف مطرح نباشد این منابع نیز مانند سایر وجوه، در کشور ما به هدف مطلوب و موثر اختصاص نمی یابد. آسیب های محیط زیستی پروژه استخراج نفت نیز می بایست دقیقاً با معیار های جهانی زیست محیطی و حفاظت آن توأم گردد و از هر گونه آسیب به منابع کشاورزی، جنگلات و ایکو سیستم جدا جلوگیری شود.

چالش دیگر راه اندازی چنین پروژه های بزرگ، مهاجرت نیروی کار، ایجاد فضای خوشبینی غیر منتظره و سرمایه گذاری نامتوازن در یک بخش اقتصاد و ساحات جغرافیایی و سرانجام خالی شدن سکنه روستا ها و کاهش فعالیت کشاورزی در دهکده ها و روستا های محل کارکرد پروژه ها می باشد، که اگر به دشواری ها و نیازمندی های معیشتی، زیست محیطی و اجتماعی محلات توجه نشود شاهد بی جا شدگان و کارگران فصلی و گاهی دائمی

و درصدی از درآمد بهره برداری شده را به دست می آورد. در قرارداد متذکره ۲۰ درصد مالیه به دولت پرداخت شده و ۷۰ درصد در آمد نفت استخراج شده نیز وارد عواید دولت می گردد. ضمناً پانزده درصد حق الامتیاز را دولت افغانستان از شرکت مذکور دریافت می کند. پیامد های دیگر درامدی، شامل احداث تصفیه خانه، استخدام کارکنان ماهر و غیر ماهر، جلب فناوری نوین، احداث زیر ساخت های لازم پروژه، ساختمان ها، دفاتر اداری، ساحات رهایشی، تامین امنیت و گمارش افراد لازم برای ساحات مورد تفتحص را احتوا می کند. اثرات قطبی پروژه شامل توسعه راه های مواصلاتی، ایجاد شهرک ها و تأسیسات مرتبط به آن و دسترسی سهل و آسان به انرژی به هدف توسعه اقتصادی و مصرف شهروندان می باشد.

درآمد نفتی و انباشت آن به هدف توسعه زیر ساخت های لازم آموزش و پرورش، تعمیر صحت، مسکن و آبرسانی برای شهروندان مطرح بوده با کاربرد و فناوری موثر بهره برداری از سایر منابع انرژی مانند گاز و انرژی های تجدید شونده نیز مقدور می گردد.

باید از آغاز این فرایند، طرز دید و نگرش سیاست گذاران معطوف به راهکار هایی گردد که در آن مجموع درآمد در یافت شده، ثروت ملی تلقی گردد و در جهت تأمین منافع عمومی اختصاص یابد. از این درآمد ها در توسعه زیر بنا ها و نهاد های ملی کار گرفته شود و سمت و سوی این سرمایه



خواهیم بود که دشواریهای پیشبینی ناشده اقتصادی، اجتماعی را در پی خواهد داشت، نهایتاً نباید فعالیت های تولیدی و استخراجی موجب انباشت ثروت و کارтели از فروشندگان نفت و فراورده های آن گردد همچنان توزیع عادلانه تر درآمد ملی در سیاست های اقتصادی باید رعایت گردد.

گذاری ها به هدف فقرزدایی، اشتغال زایی، تولیدی کردن اقتصاد، توسعه صنایع و کشاورزی سوق یابد، تا نسل بعدی از این امکانات بهره ور گردند زیرا در ثروت ملی سهم و حق نسل آینده نیز مضمّن است و نباید نیازمندی های مصرفی شرایط کنونی مانعی در تأمین منافع نسل بعدی و توسعه آتی کشور گردد. شفافیت در شرایط قرارداد ها، پا فشاری روی منافع دراز مدت



سرمحقق شیر علی تیزی

اهمیت اقتصادی بیمه



طرفی را که در مورد جبران خساره توافق به عمل می آورد به نام بیمه گر و جانب مقابل را به نام بیمه گذار یاد می کنند، و جبهی را که بیمه گذار به بیمه گر می پردازد، حق بیمه و آنچه را بیمه می شود موضوع بیمه می گویند. سند تحریری که بیمه و شرایط آن در آن تذکر به عمل می آید به نام بیمه نامه و حوادثی که بیمه در برابر آن صورت می گیرد خطر یا زیان می گویند. ()

نکته قابل تذکر اینکه شرایط عقد بیمه باید معین و مشخص بوده و خطریکه موضوع عقد بیمه است باید متحمل الوقوع باشد، چنانچه اگر خطر حتمی الوقوع باشد عقد بیمه بسته نمی شود. اما در مورد بیمه عمر که حادثه حتمی الوقوع است باید گفت که چون تاریخ فوت معلوم

پیش از اینکه به توضیح اهمیت بیمه پرداخته شود لازم است تا بیمه و ساحات فعالیت آن توضیح شود.

بیمه قرار دادیست که شخص هرگونه خطر و زیان را که ممکن است به جان یا مال او وارد شود با پرداخت حق معینی به عهده شرکت ها یا بنگاه های مخصوص که این کار را به عهده دارند، بگذارند.

در ماده دوم قانون بیمه افغانستان، بیمه چنین تعریف شده است:

«بیمه قراردادیست میان بیمه کننده و بیمه شونده که به موجب آن بیمه کننده در مقابل اخذ حق البیمه معین جبران خساره طرف مقابل را متعهد می گردد.» ()



نیست و موضوع عقد بیمه دراز مدت است این مشکل وجود ندارد. همچنان اگر خطر موضوع عقد بیمه تحت اختیار یکی از عقد کننده ها باشد عقد صورت نمی گیرد. ()

در بیمه نامه که شرایط عقد درج می گردد موارد ذیل باید به طور واضح و روشن تحریر گردد:

۱ - تاریخ عقد قر داد؛

۲ - اسم بیمه گر و بیمه گذار؛

۳ - موضوع بیمه نامه؛

۴ - حادثه یا خطری که عقد بیمه به مناسبت آن به عمل آمده است؛

۵ - آغاز و انجام بیمه؛

۶ - حق بیمه؛

۷ - مقدار تعهدات بیمه گر در صورت وقوع حادثه تا مبتنی به آن در صورت بروز مشکل بیمه گذار بتواند حق خویش را از بیمه گر مطالبه نماید.

بیمه انواع مختلفی دارد مانند: بیمه حوادث، بیمه آتش سوزی، بیمه در مقابل دزدی و غیره. نرخ بیمه که بیمه گذار به بیمه گر پرداخت می کند به نحوی محاسبه می شود که به طور متوسط بتواند مبلغ غرامت را در صورت بروز حوادث غیر مترقبه بپوشاند. بیمه کردن متضمن ریسک برای بیمه گر است که وی بایستی ریسک مذکور را به حداقل برساند. ()

با توضیح بیمه و شرایط آن واضح می شود که بیمه یکی از



خطر های مختلفی که کسب و کار و پیشه جدید او را تهدید می کند از سرمایه گذاری که تنها پس انداز و همه سرمایه اوست پیشمان شود. تنها با اتکا به بیمه است که این جوان می تواند با خیال راحت پس انداز و سرمایه خود را به تجارت اختصاص دهد و موفق شود. پس بیمه در توسعه تجارت نقش موثری ایفا می کند. بناءً بیمه را می توان پشتوانه مطمئن برای تجارت و سرمایه گذاری خواند. بدین معنا که در صورتیکه یک تاجر بیمه شده باشد با سرمایه کم با اتکا به ضمانت معتبر بیموی می تواند به اخذ قرضه مبادرت و رزیده و کار و بار خویش را توسعه دهد.

توسعه فعالیت شرکت های بیمه و سرمایه گذاران با یکدیگر رابطه مستقیم و متقابل داشته، هر قدر حق بیمه ها گسترش پیدا کند و مبلغی که در اختیار شرکت های بیمه است افزایش یابد، می تواند در راه های مختلف به کار گرفته شود و هر قدر فعالیت شرکت های بیمه توسعه یابند به همان اندازه میزان این وجوه نیز افزایش یافته و از آن در توسعه و انکشاف سرمایه گذاری استفاده صورت می گیرد.

در اقتصاد بازار شرکت های بیمه منجیث واسطه های مالی نقش مهم و اساسی را بازی نموده و از اهمیت ویژه برخوردار می باشند، که مهمترین اثر آن عبارت از تهیه سرمایه می باشد که نقش مهمی در تمام عرصه های انکشاف اقتصادی دارد و گاه این فعالیت ها به شکل مجموعه های مشترک و در پیوند و هماهنگی موسسه های بیمه و بانک ها انجام می شود.

به صورت مشخص می توان گفت که امروز مؤسسات بیمه نقش ملموسی در اقتصاد کشورها دارند که از جمله می توان از حفظ ثروت ملی، ایجاد تضمین برای سرمایه گذاری، ایجاد اعتبار و توسعه سرمایه گذاری نام برد.

بارزترین اثر اقتصادی فعالیت های بیموی حفظ اموال و دارایی های اشخاص انفرادی و حتی دولت می باشد. مالکین اموال و دارایی های مذکور در بدل حق بیمه که به طور دوامدار تادیه کرده و می کنند، اطمینان دارند که در صورت وقوع حادثه غیر مترقبه و تحمیل ضرر و خساره ناشی از آن ضرر وارده جبران می گردد. لذا بدون نگرانی و تشویش به کار و کسب خود ادامه می دهند. از طرف دیگر بیمه گر

نیازمندیهای زنده گی بشر بوده و از گذشته های دور انسانها به این فکر بودند که چگونه خطراتی را که متوجه جان و مال آنهاست برطرف سازند و یا حداقل آثار آن را کم ساخته و یا تقسیم نمایند. این مفکوره نخستین مفکوره پیدایش بیمه بوده که با پیشرفت زنده گی شکل و شیوه آن نیز تغییر نموده است. آنچه اهمیت دارد اینست که اساس بیمه بر تعاون و تساند گذاشته شده است. بیمه در حقیقت روش تقسیم خطر با دیگران است.

از دوران باستان بعضی از افراد منابع مالی خود را برای کمک به کسانی که متحمل ضرر و خساره می شدند به طور مشترک سرمایه گذاری می کردند. تحولات قرن ۱۹ و ۲۰ همانطور که بر تمام عرصه های زنده گی اقتصادی و اجتماعی اثر داشته است بر عرصه صنعت بیمه نیز تأثیر قابل ملاحظه داشته است، چنانچه در ابتدا بیمه در چند رشته معدود وجود داشت، لکن با پیشرفت علم و تخنیک بر اهمیت بیمه نیز افزوده شده و رشته های متعدد در آن به وجود آمد و نقش مثبت آن در عرصه های اقتصادی و اجتماعی سبب شد تا بیمه جایگاه خود را در تمام عرصه ها پیدا کند.

اقتصاد امروزی که درحقیقت زیربنای جامعه را تشکیل می دهد از راه بیمه تضمین می گردد، زیرا سرمایه گذاری که سرمایه خود را در راه تولید و توزیع کالا ها به کار می اندازد، اگر سرمایه گذاری و کالا های تولیدی اش بیمه نباشد به خطرات متعدد مواجهه بوده، لذا از سرمایه گذاری سر باز خواهد زد.

به همین ترتیب تجارت که یکی از ارکان اساسی زنده گی را تشکیل می دهد نیز به تضمین مطمئن نیازمند است. کالا هایی که در گدام ها ذخیره اند و یا از یک جا به جای دیگر انتقال می شوند، همه به خطر دزدی، آتش سوزی و غیره مواجه اند. همین امر سبب شده که امروز در اکثر کشور های جهان بیمه جایگاه خود را پیدا کرده و در تمام امور اقتصادی، تجارتي و اجتماعی دخالت دارد. به طور مثال جوان تازه کاری سرمایه اندک خویش را که به صد خون دل پس انداز نموده در کار تجارت صادرات به کار می اندازد، سرمایه گذاری این جوان در معرض تهدید خطر های ناشی از حمل و نقل، آتش سوزی، دزدی و امثال آن قرار دارد. او ممکن است بعد از مطالعه و شناخت



های اساسی تجارت و کار و بار می باشد، زیرا در تجارت امروز بیشتر معاملات و سرمایه گذاری به اعتبار صورت می گیرد و اکثراً پول نقد حضور فیزیکی ندارد. کمتر سرمایه گذاری را سراغ خواهید داشت که قیمت تمام تأسیسات و دستگاه های مورد نیاز خود را نقداً به دسترس داشته باشد و ممکن هم نیست. اصولاً اعتبار و استفاده از آن یکی از مشخصات تجارت پیشرفته امروزی می باشد. هر تاجر و سرمایه دار در قدم اول با اتکا به سرمایه و دارایی خود می تواند اعتبار به دست آورد. اما اگر سرمایه و دارایی او در معرض خطر قرار گیرد و او نتواند

بر اساس مکلفیت های ملی که دارد وظیفه خود می داند که همواره بیمه گذاران را متوجه مکلفیت های شان بسازد تا در حفظ اموال شان و کاهش بروز حادثات کوشا باشند.

یکی از نیازمندی های اساسی در همه جوامع موجودیت امنیت است، زیرا سرمایه توأم با ریسک در جایی که امنیت نباشد هیچگاه سرمایه گذاری صورت نمی گیرد. مراد از امنیت نه تنها امنیت فیزیکی بلکه امنیت اجتماعی و اقتصادی می باشد. که یکی از عوامل بوجود آمدن بیمه هم همین امر است، زیرا نبود امنیت چالش بزرگی در راه توسعه و انکشاف فعالیت های اقتصادی می باشد.



امکان بروز خطرات مانع آن می شود تا اشخاص و افراد محتاط و دور اندیش سرمایه های خود را در ساحاتی که امکان خطر وجود داشته باشد به کار اندازند، خوشبختانه امروز شرکت های بیمه با حمایت و تضمین محکمی قانونی خویش جبران خساره این حوادث را به عهده گرفته و به بیمه گذاران این اطمینان را داده است تا بدون تشویش به ادامه کار خود بپردازند.

به تعهدات خود در برابر مشتریان عمل کند اعتبار او از دست رفته و احیای دوباره آن نا ممکن خواهد بود، مگر اینکه سرمایه و دارایی اش در مقابل خطرات احتمالی بیمه شده باشد. لذا اعتبار یکی از عوامل مهم موفقیت در تجارت به شمار می رود و بیمه در هر بخش اقتصادی اعتبار و تضمینی مطمئن و بی چون و چرا می باشد. شرکت های بیمه تجاری در حال حاضر قسمت عمده خطرهای را که موجب ضرر و زیان تجار می شوند تحت پوشش قرار می دهند.

بیمه در حقیقت یک نوع پس اندازی است که در روز وقوع

نکته مهم و با ارزش در ادامه کار و بار اقتصادی بخصوص در زمینه تجارت اعتماد و اعتبار می باشد. تاجریکه از اعتبار و شهرت نیک در بین مشتریان خود برخوردار باشد بخوبی می تواند کار و بار خویش را بدون اینکه به مشکلی مواجه شود به پیش ببرد. بر عکس تاجرانیکه اعتماد و اعتبار خویش را از دست داده باشند هر چند که سرمایه زیاد هم داشته باشند نمی توانند با موفقیت لازم و طور دلخواه به کار و بار خویش ادامه بدهند، بدین معنا که اعتبار یکی از نیازمندی



از توضیحات بالا می توان چنین نتیجه گرفت که در تمام نظام های اقتصادی و اجتماعی دولت ها مکلف اند به منظور تأمین رفاه اجتماعی و بلند بردن سطح زنده گی افراد تلاش هایی را انجام دهند و همواره آنها را مورد حمایت حقوقی قرار دهند، یکی از این وسایل و تدابیر تأمین اجتماعی و یا به مفهوم مشخص تر بیمه های اجتماعی می باشد. با وصف آنکه بیمه در افغانستان انکشاف چندانی نکرده و نمی توان فعالیت های آن را قناعت بخش ارزیابی نمود مگر باید گفت که بیمه یکی از پدیده های انکشافی بوده و پیشرفت آن با پیشرفت اقتصادی و اجتماعی در جامعه مرتبط می باشد، بناءً دولت باید زمینه رشد و انکشاف بیمه را در ساحات مختلف از طریق وضع و تعمیم قوانین مهیا سازد، تا باشد که زمینه بهتر و خوبتر تجارت برای کسانیکه استعداد تجارت را دارند ولی ریسک و خطر را نمی پذیرند، مساعد گردد.

مآخذ:

- ۱- نصیر احمد سخی، بیمه و نقش آن در انکشاف اقتصادی و اجتماعی، مطبعه صنعتی نادر، کابل، ۱۳۸۷، ص ۳.
- ۲- حسن توانایان فرد، فرهنگ تشریحی اقتصاد، چاپ دوم، تهران، شرکت نشر الکترونیکی و اطلاع رسانی جهان رایانه، ۱۳۸۵، ص ۵۱۲
- ۳- عارفه، مدنی، کرمانی، حقوق بیمه، تهران، مجموع علمی و فرهنگی مجد، چاپ سوم، ۱۳۸۴، ص ۳۵.
- ۴- مرتضی، قره باغیان فرهنگ اقتصادی و بازرگانی، موسسه فرهنگی رسا، چاپ دوم، ۱۳۷۶، ص ۳۹۶.



دشواری و حوادث غیر مترقبه بدون اینکه کار و بار را به سکتگی مواجه سازد مشکل را زیر کنترل آورده و ادامه کار و بار را مساعد می سازد.

در کشور ما بیمه سابقه طولانی ندارد، چنانچه برای اولین بار در سال ۱۳۴۲ طرح یک بیمه افغانی بنابر ضرورت اقتصادی در کشور ما ریخته شد و اولین موسسه بیمه افغانی به نام (د افغان بیمه) شرکت سهامی در سال ۱۳۴۳ ش. با سرمایه ابتدایی پانزده میلیون افغانی تأسیس و شروع به فعالیت نمود.

در سال ۱۳۵۳ ش. اولین قانون بیمه نافذ گردید، در سال ۱۳۵۸ ش. قانون جدید بیمه نافذ و شرکت سهامی بیمه افغان به شرکت بیمه ملی افغان مسمی گردید، در سال ۱۳۶۸ قانون بیمه پس از یک سلسله تعدیلات تصویب و نافذ گردید. در سال ۱۳۸۴ مجدداً چند ماده آن تعدیل گردیده و مورد استفاده قرار گرفت. به تاسی از احکام قانون اساسی در سال ۱۳۸۴ کمیشنری بیمه در چوکات وزارت مالیه ایجاد گردیده و هدف آن ثبت و راجستر شرکت های بیمه و توزیع جواز فعالیت برای آنها می باشد، همچنان هدف آن تشویق سرمایه گذاران در عرصه بیمه و رشد آن در افغانستان می باشد.

یکی دیگر از موسسات بیمه، بیمه صحتی مامورین می باشد که در سال ۱۳۴۳ تأسیس شد، ابتدا در چوکات وزارت مالیه و بعداً در وزارت صحت عامه فعالیت داشته، کارمندان دولت و اعضای فامیل شان در برابر پرداخت ۱٪ وضع معاش ماهانه شان در برابر بیماری بیمه بوده و با استفاده از کارت عضویت از خدمات صحتی و ادویه رایگان مستفید می گردیدند که در سال های اخیر فعالیت آن به فراز و نشیب ها روبرو بوده و چندان ملموس نمی باشد.

به صورت کل می توان گفت که مردم افغانستان به بیمه و فعالیت آن نه تنها آشنائی ندارند بلکه آگاهی هم اگر داشته باشند با جو بی اعتمادی که در کشور ما حاکم است، هیچکس به فعالیت بیمه باور نداشته و حاضر نیست تا پولی را به عنوان حق بیمه به بیمه گر بپردازد. درینجا وظیفه دولت است تا فعالیت شرکت هایی را که می خواهند درین عرصه سرمایه گذاری نمایند قانونمند ساخته و از طریق تبلیغات و اشتهاارات، مردم را به اهمیت بیمه آگاه سازد.



پوهاند محمد بشیر دودیال

له یو شمیر هېوادونو سره دافغانستان ستراتیژیک تړونونه

خو پړاوونو لرونکې پروسه ده چې مفاهیم یې جلا جلا او د زیاتو تو ضیحاتو غوښتونکي دي.

په دې تړونو کې ځای شویو موارد، د هغو تفسیر، د هغو ژبه، د هغو وروستني تعدیلاتو پیش بینی، موده، اعتبار، در عایت اوا جرا تضمین، لازم الاجرا کیدل او بیرته الغا او نور مسایل هغه ټکي دي چې دا بحث د سلگونو پاڼو لرونکي گرځوي. ددغه ډول ژمنو، اسنادو او موافقه لیکونو جوړول او تصویب اویا لاسلیک چې د نړیوالو حقوقو په عرف کې ورته انعقاد وایي دوه حتمی پړاوونه لري:

الف: لومړنی مرحله: په دې کې د طرفینو دولتونو د اداري همغږي ده. چې یودولت او یا هم کوم بل نړیوال حقوقی شخص د مقابل لوري بل حقوقی نړیوال بنسټ سره د لاسلیک کیدونکي سند، ژمنلیک، توافق لیک او دی ته ورته تړونونو د متن په هکله د چلند پر اصولو تفاهم کوي. دغه پړاو کې طرفین خواږ خیزې خبرې اترې کوي.

ب: دو همه مرحله: داد نوموړو اسنادو او تړونونو د موازینو د الزامیت د پیژندنې په هکله د طرفینو د ارادې همغږي ده. دې پسې نور مسایل د دیپلوماتیک تشریفات او

د هېوادونو او نړیوالو سازمانونو اړیکې، تعهدات، میثاقونه، مقاولې، قراردادونه، موافقه لیکونه او تفا هم لیکونه د عمومی نړیوالو حقوقو موضوع او د دولتونو پر اړیکو باندې د حاکمو نړیوالو حقوقی قواعد و تابع دي.

په داسې شرایطو کې چې د نړیوال کېدو خبرې کیږي. ددې ډول اختیاراتو مسله هم ډیره ترسترگو کیږي سره له دې چې دغه موضوع بین الدول حقوق بیانوي، د تړون واک د هېوادونو په داخلی حقوقو پورې تړلې ده او یو شرط یې دادی چی باید ملی شورا یې تصویب کړی.

ددغه ډول قرار دادونو، تړونونو او تفاهم لیکونو بنسټ د ویا ناپه کنوانسیون کې په ۱۹۶۹م. کی ډیر ښه توضیح شوی دي، البته څوځلی نور هم په دی کې بشپړوالی او بدلون راغی. موافقه لیک، تړون او دنړیوالو تعهداتونو له شکلونه کیدای شي دتصویب په ښه.

د اسنادو دمبادلې په ښه، دلاسلیک په ښه د تصدیق په ښه او ور سره دیو ځای کید و (الحاق) په ښه وي خو مهم داده چې د نړیوالو قواعد و سره سم وي. داد نړیوال عرف او د دیپلوماسی د هنر او ادا بو سره سم یوه اوږده او د څو



نور دي. (ددغه ډول توافق ليک منل د لاسليک، تصويب، تائيد او نورو په بڼو کيدای شي). هر سند د خپل حامل د واک له پلوه توپير لري، دا هم مهمه ده چې وښودل شي چې آیا دغه تړونونه مشروط دي که غير مشروط، انفاذ يې، انتشار او ثبت يې، جوړښت، بڼه، ژبه، نوم، موده او نور ټکي يې هغه باريک اوستونز من خصوصيات دي چې ددغه ډول روابطو پيچلتيا څرگندوي. دولتونه خپل منځ کی دغه ډول اجرات د معاهداتو د حقوقو له مخی کوي او دا صلاحيت هم لري، خو مرموز، پټ او سري بڼه يې وگړنيز ضد عمل دی. ژمنليک، توافق نامه، تړون او نور هغه يوه معاهده او تړون دی چې په نړيوالو حقوقي نظامو کی د ټولو لپاره يو شان ارزښت ورکړل شوی دی. خو د ملی حقوقو او د دولتونو او هيوادونو د خپلو قوانينو له مخی ممکن ځانگړی مفهوم هم ولري. په هر ترتيب دا په بين الدول (نړيوالو) حقوقو په تيره بيا عمومي نړيوالو حقوقو کې - يو ډير تفصيلی بحث دی او د وياناکنو انسيون په سلگونو پاڼو او موادو کی ښودل شوی دی. مهمه خبره داده چې افغانستان له يو شمير هيوادونو او له هغی جملې د امريکې متحده ايالاتو سره د ستراتيژيک تړول د لاسليک کولو لپاره چمتووالی نیسی او آن دا چې يوڅه مرا حل يې پرمخ هم تللي دي او د نورو هيوادو سره هم همداسی.

په ستراتيژيک تړون کی لکه څرنگه چې له نوم څخه يې ښکاری ډير غټ غټ ټکی د يوې اوږدی راتلونکی په اړه تصويب اودرج کيږی. محتوي يې ټول نظامی، کلتوری، اقتصادي او د اړتيا له مخی نور مسائل را اخلي. دلته يې مونږ په نورو اړخونو خبری نه کوو، صرف د اقتصادي اړخونو په هکله ضرور ده چی څو پوښتنې حل وي.

۱- آیا په دغو تړونو نوکی زمونږ د هيواد او مقابل لوري ترمنځ کوم اقتصادي تړونونه په پام کې دي. د اقتصادي مرستو شرايط يې څه ډول دي، زمونږ د هيواد داخلي امکانات او ريزرفونه څرنگه پکې اټکل شوي دي.

۲- هر هيواد خپل ځانگړی طبيعي منابع لری، طبيعي منابع درې ډولونه لری جرياني، نوی کيدونکي او نه تمام کيدونکي. دلته بايد وسنجول شي چې آیا په يوه ستراتيژيک تړون کې د طبيعي منابعو په تېره بيا د جرياني او نه نوي کيدونکو منابعو په هکله ځانگړي مواد په څه ډول دي.

۳- په سيمه کی مونږ ديو شمير سيمه ييزو سازمانو لکه ايکو، شانگهای او سارک سره چی نسبتاً د مشخصو اهدافو لرونکی دي، غږيتوب لرو. آیا له کوم بل هيواد سره په ستراتيژيک تړون کې ددغو سيمه ييزو اقتصادي سازمانونو کوم تناقض راځی که نه؟

۴- يوه بله پوښتنه چی راپورته کيږی، هغه داده چې آیا زمونږ بهرنی سوداگري او په هيواد کې د تړون د طرف هيواد پانگه اچونه به په څه حالت کې وي زمونږ د صادراتو بياوړي کېدل او دوارداتو تعويض څومره تضمين کيږي.

۵- آیا په اقتصادي پروژو کې د بشري منابعو د استخدام شرايط هم پکې شامل دي او که نه؟

په تيره بيا تجارتي اړيکې، پانگه اچونه او پانگه اچونکي او دهغو طرز. د پروژو احداث، تمدید، تجدید او نور هغه څه دي چې له اقتصادي پلوه مونږ ته ډير مهم دي. دنړيوالو حقوقي قواعد وله مخی دغه ډول تړونونه که په خپلو ځانگړو مراحلو کې په پوره دقت برنامه ريزي شي کوم د تشویش ټکی پکې نشته، په دی شرط چې يو شمير



خان ویسا، ښکېلې او پیاوړې څیره نه یواځې د هینداری روڼتیا پورې اړه لري، بلکې زموږ ادارې، زموږ ددریدلو طرز او زموږ د کتلو طرز پورې هم اړه لري.

ستراتیژیک تړون ته مخکې تر مخکې بدبینانه او یا هم ډیر خو شینانه کتنه دواړه سم نه پریښي، بلکې دا د همغږۍ د دوو مرحلو په هغو گامونو پورې تړلی دي چې آیا څومره پاڅه ایښودل شوی او بیا وروسته هر حرکت په کوم طرز او تخنیک اجرا کیږي. افغانان هیله لري چې، امضا شوي او لاسلیک کیدونکي ستراتیژیک تړونونه به دغه ټول ټکي ډاډمن کړي.

ملحوظات، د گاونډیو هیوادو خاص در یځونه، سیمه ییز تناقضات، ملی حساسیتونه او د دیپلوماسۍ له نظره باریک مسایل پکې حل وي.

افغانستان یو جگړه خپلی وروسته پاتې هیوا ددی. بهرنیو مرستو، بهرنیو هیوادونو سره دوستانه عادلانه او په دوه اړخیزو گټو ولاړو تړونونه اړتیا لري. افغانستان ددې لیوال دي چې په نړیواله کچه یې ملی دریځ پیاوړی شي او د هیواد له پامه لویدلی نوم بیرته هسک او خپل هغه نړیوال پرستیژ بیرته ترلاسه کړی کوم چی له جگړ و څخه مخکې یې درلود. افغانانو ته د اقتصادي وضعیت ثبات او د دوام لرونکی پرمختیا نصیب کیدل هم ډیر مهم دی، ستراتیژیک تړونونه د ستراتیژیکي لوبو حیثیت لري.

په لوبه کې همزمان حرکتونه، پرله پسې حرکتونه او متبادل حرکتونه اجرا کیږي. هر لوبغاړی (د تړون لوری) خپل دریځ او د مقابل لوري حرکت باندې فکر کوي او دخپل بردو باخت اټکل کوي. دغه ستراتیژي د برد او برلاسی کیدلو هدف ته ډیره متوجه وی یعنې چې دواړه لوري وړونکي وي.

اقتصادي روابط په بیره مخ په زیاتیدو دي. یو شمیر روابط په ستراتیژیک تړون کې منعکس کیږی. ټول ستراتیژیک تړونونه د اقتصادي ستراتیژۍ لپاره یو چاپیریال جوړوي.

آن دا چې اقتصادي اړخ نظر نوروته ډیر مخکښ رول لري. افغانان هیله لري د خپل بریالیتوب سر لوړی او پرمختللي او هو سا ژوند څیره د نړیوالو اړیکو په هینداره کې په ښه ډول ویني. په دغه هینداره کې زموږ هوسا، پر



معاون سرمحقق عبدالحکیم رامیار

د هیواد پراختیا او زموږ امکانات اودندې

چې بیلگی یې امریکایي او اروپایي پانگه وال هیوادونه. آسترلیا، نوی زیلاند او جاپان گڼل کیدای شي. په دې ترڅ کې د سهیل لودیزي آسیا ځنې هیوادونو د چین په گډون د معاصر تکنالوژیکي د یجیټلی انقلاب څخه په کار اخیستنې توانیدلي دي چې د ودې او پرمختګ لور وکچو ته درسیډو بهیر خپل او د پام وړ تخنیکي او اقتصادي پراختیا منځته راوړی.

د هر هیواد د پرمختګ لپاره ترهر څه نه مخکې د پانګی شتون ضروری او حتمی دی. پانگه هغه شتمنی ته چې د کارولو څخه یې عاید لاسته راځي ویل کیږي او د تولید یواهم عامل گڼل کیږي. د ډیرو پخوانیو او اوسنیو اقتصاد پوهانو په آند د تنګسۍ او وروسته پاتېوالي څخه د خلاصون اصلي لارې چارې

د تاریخ په اوږدو کې د انساني ټولنو د جوړیدو له پیل څخه تر نن پورې تل دا هڅې روانې دي ترڅو وده او پراختیا منځته راشي او د هغې له امله سوکالي د انسانانو په برخه شي. دهمدې موخو په خاطر دي چې په بیلابیلو پړاوونو کې د پوهانو او کار پوهانو له خوا د پرمختګ او هغې ته د لارې پیدا کولو په خاطر بیلابیلې طرحې او نظریات وړاندې شوي دي چې د بیلابیلو اقتصادي او ټولنیز مکتبونو لامل ګرځیدلي دي. دا هڅې په بیلابیلو وختونو او هیوادونو کې په بیلو ډولونو او کچو تر سره شوې دي او اوس هم اجرا کیږي.

په پرمختللو هیوادونو کې دا بهیر په پرله پسې اوقانونمنده توګه تر سره شوی او د پام وړ مثبتې پایلې یې درلودلې دي،



سمبالول، وروسته پاتی اقتصادی سیستمونو ته پاملرنه او اعتقاد، دصنعتی بنسټونو نه وده، د فکری او تخصصی نظره د کار د ځواک وروسته پاتېوالی، د پراختیا په اړوند د خپلپوښتنو تل پاتې کېدل او تاریخی بڼې خپلو لو څخه عبارت دي. همدا راز د بنسټیزو خدماتی چارو، واپوښتنو، دوسپنې پټی، زده کړه او صحت او د اقتصادی دسیمو په تیره بیا د اومه زیرمو او سرچینو او صنعتی مرکزونو ترمنځ نه اړیکې د پانگونو دنه موثریت او تیت حاصل او عاید سبب کیږی.

د اقتصاد د رغاونې او و دې په خاطر د سپما او پانگې ((اکسیر)) په هر وخت او په هر هیواد او هرو شرایطو کې عملي دی. پر مختللو هیوادونو د سپما کولو او د هغې په مرسته د پانگې د جوړښت څخه په هر اړخیز، معنا لرونکي او موثر عامل په بڼه د خپلو هیوادونو د ودې او پراختیا په مقصد کار اخیستی دی. په دې حال چې په وروسته پاتې هیوادونو کې دې ټاکنو کې عامل ته چندان پام نه دی اړول شوی. په تولید کې د پانگې اغیزه داده چې د انسان د هڅو محصول زیاتوی په یوه ټولنه کې پانگه هغه وخت منځته راځی چې وگړي یې د نن ورځې د لگښت په ځای خپل عاید د وروسته کارولو لپاره سپما کړي. نو په دې توگه نن پانگه او پانگه ییز کالي په خپله د مخکې کار او هڅو محصول دی زموږ د هیواد د ملي پانگونو نه غښتلتیا ډیر اقتصادی سیاسی فرهنگي، حقوقی او اداري لاملونه لری دوگړوله خوا د کمه سپما، د دولت له خوا په تصنعی بڼه د ((افغانی)) د ارزښت

پس انداز کول او پانگه منځته راوړل دي، او ددې لارې څخه ده چې د تولید کچه لوړیږی او د اقتصادی ودې امکانات برابریری. پانگه په دواړو ډلو، پرمختللو او وروسته پاتې هیوادونو کې د تولید او پرمختگ لپاره یو ضروری او موثر عنصر شمیرل کیږی. پانگه په خپل وار په فزیکي انسانی او مالی. پانگې ویشل کیږی چې مالی پانگه هغه شتمنی ته ویل کیږی چې آسانی سره په کالیو بدلیدای شي د هېوادونو د پراختیا او وروسته پاتېوالي د لاملونو او رمزونو په اړوند ډیرې نظریې شتون لري. په دې ترڅ کې اقتصاد پوه جان کنث گالبرایت دیوه هېواد د هر پراختیایي مدل لپاره مخکني شرایط په لاندې ډول فرمول بندی کوي:

لومړی شرط: د یوه حکومتی او اداري منظم، سم او راستکاره سازمان شتون

دوهم شرط: د پوهنی اوروزنې، او دخلکو د فکرونو پراختیا. همدا شرط په پرمختللو هیوادونو کې د اقتصادی او تولیدی ژوند د څوڅښت لامل شوی دی.

دریم شرط: د پرگنو د ټولنیز ژوند عدالتی اړخ ته پاملرنه او دهغې تا مینول

څلورم شرط: د پراختیا په خاطر د خلکو واحده رایه او اعتقاد رامنځته کول.

مخکې یاد شوي فکتورونه تر ډیره غیر اقتصادی عوامل

دی خو دیوه هیواد د پراختیا په خاطر اغیز لرونکی او د اهمیت وړ عاملین شمیرل کیږي. چی کېدای شی د وروسته پاتې هیوادونو د وروسته پاتې کیدو د لاملونه د څیړلو په وخت هغې ته پام وړول شي.

په هر اقتصاد کی دپانگې د بڼی او موثرې کارونې په خاطر ډیر پرمخپوښتنو او مخه نیونکي متحولین موجود وی. هغه عاملین چې د پانگې د موثرې کارونې او په نتیجه کې د پرمختگ او ودې دځنډ او خنډ لامل کیږي په اهم توگه دروشونو او تخنیک نه بدلونوالی او هغه په نویو لاسته راوړنونه.





ساتل پر اقتصاد باندی په لویه پیمانه د کرنیز مالکیت اغیزې او د اقتصادي او سیاسي ثبات نشتوالی یې اهم لاملونه دي.

له بلی خوا هغه مهال چې زمونږ په هیواد کې د راکدو او سرگردانو پیسو د غونډولو بهیر یانې د ۱۳۸۲ لمریز کال د بانکداری د قانون د نافذیدو او د خصوصی افغانی او خارجی بانکونو په تاسیس سره پیل شو او څه ناڅه د بانکداری د امتیازونو او د بانکي خدمتونو څخه د وگړو کار اخیستنه پیل شوه او د دې او مېدواري منځته راغله چې کیدای شي مونږ هم شتمنی راغونډې او په اقتصادي کاروبارونو کې یې د پانگې په بڼه وکارو. خو په خواشینۍ سره چې د هیواد د بانکي بحران مسلې او په هغه پورې اړونده: فاسدو اوبی مسوولیته کسانو دا نوي پیل شوي او ځوان غوړیدونکی فرهنگ سخت و څپه او ډیر خلک یې دې ښکارندې ته بی باوره کړل.

خو دا پانگونې د هیواد د پرتیا او د وروسته نسلونو د غوښتنو سره انډول نلري. یو دا چې ملی پانگونې د بهرنیو پانگو په پرتله کمې دي بل په هیواد کې د کارو بار ډیر عاید د بهرنیانو جیبونو ته ځی، او بهر ته لیردول کیری او په ترڅ کې یې د دولت دناسمو او بی مسوولیته کړنلارو له امله زمونږ په زر ها وو متشبثین او کسبگر د ماتې سره مخامخ شوي او پانگې یې له منځته تللي دي، که په هیواد کې اوسنی اقتصادي کړنلارې نورې هم دوام ومومي او دولت او اړوند ارگانونه پر هغې باندې د سره کتنه ونه کړي او هغه د ملي گټو پر بنیاد عیارې نکړي زمونږ ځوان او بی ځواکه صنعت او کارو باریان په نور هم ور شکست اوله منځه لاړشي او فکر کوم بهرني پانگوال به هم تر هغو پوری له مونږ سره خوا خوري ولري چې زمونږ د طبیعي او کاني زیرمو څخه د خپلې خوښې بریښا گټه واخلي او عاید به یې خپلو هیوادونو ته ولیردوی او دهغې نه وروسته به نه دا پانگونې وي او نه هم



دا لوریښي. په دغه حالت کې به د پر مختگ په خاطر زمونږ آرزوگانې ناکامې پاتې وي.

افغانستان د نه کارول شویو بېلابېلو زیرمو، مستعد انساني ځواک ښه خاوره، پریمانه او به او مساعدې هوا او لمر څخه

زمونږ هیواد چې د طبیعي، کاني زیرمو او سرچینو له کبله یو بډای هیواد دی نو د ډیرو ستونزو د اوارولو او د زیرمو د کارولو په خاطر پانگې ته اړتیا لري. سره له دې چې زمونږ په هیواد کې په دې وروستیو څو کلونو کې په بیلابیلو، تولیدی او خدماتی چارو کې دملی او بهرنیو پانگوالو له خوا پانگونې شوې دي،



دیرو پریکرو، مصوبو، کمسیونو او ستراتژیگانو لاسپوری کړی. خواوس جو ته کیری چې ډیرې هڅې او فیصلې نه دي عملی شوې، لامل یې هم دادی چې یا یې هیچ امکانات نه و او یا هم د هغی د عملی کولو هڅې نه دي شوې، حتا ویلی شو چې دغه راز نیمگړیو او ناستجول شویو کړنو زموږ کوچنی او بی ځواکه اقتصاد په بیساری توگه خپلی او نور یې هم بې ځواکه کړی دی. د پراختیا د پرمخیولو لپاره د اختر اعلانو او نوښتونو د ظرفیتونو زیاتول او هغوی ته تولیدي بڼه ورکول، د تولیدي وسایلو نه، بشپړه کار اخیسته، په پرله پسې توگه د تولید متحول او نوی کول اساسي شرطونه دي. د تولید د نویو روشونو له را منځته کولو او کارولو لپاره د څیړونو زمینې برابرول، د اطلاعاتو در اټولولو په خاطر د نویو میتودونو اولارو نه کار اخیستل، لاسته راوړل شوي اطلاعات بدلای کول، د کار ځواک تخصصي کول، بنسټر خدمتونه لکه اوبه، بریښا، کارځای، لارې او واټونه او د وسپنې پټلی تدارک کول، د کار د ځواک او بنسټیزو تولیدی چارو او خدمتونو د چارو تر منځ همغږي منځته راوړل ددې موخو لپاره اړین عاملین او متحولین گڼل کیږی. که موږ و توانیزو خپل لگښتونه او عواید په عملی او سمه توگه د هیواد د اوس او وروسته غوښتنو او اړتیاوو سره اټلول، او د یوه سالم، د فساد څخه پاکې ادارې او سازمانونو له لارې هغه مدیریت کړو کیدای شي څه ناڅه د هیواد د اقتصاد په رغاونې او د وروسته پرمختگ په خاطر د بنسټونو په ایښودلو برلاسي شو.

برخورداره دی. خو د ډیر و وروسته پاتې هیوادونو په ډله کې شمیرل کیږی. دا سمه نه ده چې ډیر مسوولین او چارواکي د خپل ځان د برائت لپاره ټولې پرې په جگړه اچوي ځکه بې امنیتي په دې حدنه وه او نه ده چې بیخي د هیواد درغاونی او پرمختگ خپل شوی. او حتا ویلی شو چې په دی وروسته کلونو کې د ډیرو دولتي ادارو او چارواکو عملونوبی نظمیو او بی ثباتیوته ځواک ورکړی دي. له یوې خوا د غیر مسلکی او غیر تخصصی چارواکو او مسوولینو له امله خپل ظرفیتونه او امکانات نشو کارولی (چې په شورا کې د نه کارول شوې بودجې مسئله یې یوه بیلگه ده). له بلې خوا زموږ ډیرې پالیسي او کړنې تقلیدي او دنور څخه اخیستل شوې دي. نو ځکه په عمل کې چندان موثریت نه لری.

اقتصادی پراختیا او پرمختگ نشی کیدای په ((وارداتی)) تقلیدی او یا هم په تحمیلی کړنو لاسته راشی هغه څه چې موږ د ډیر وخت څخه په تېره بیا په دی دیر شو کلونو کې پری اخته یو. که موږ د هیواد د پراختیا او سمسورتیا غوښتونکي یو، نو په دې اړوند باید مدلولونه، طرحې او پالیسي د هیواد په د ننه د خلکو او پراگنو د اړتیاوو مطابق او د هغوی په گډون سره جوړې او پلې کړو.

د اقتصاد کړنې د نورو ډیرو ټولنیرو طبیعی عرصو او ښکارندو په څیر په بیلابیلو هیوادونو کې بیلو او ځانگړو شرایطو او کاري، عملي زمینوته اړتیا لري د ازمینې چی د هیواد او خلکو اړونده فرهنگي، ټولیزې، تاریخي، اقتصادي او سیاسي قلمرو په برکې نیسی باید تل په نظر کې وي او په اړوند یې تصمیمونه اړ پریکړې عینی او رغنده وي. زموږ د هیواد د پرمختگ او ودی په اړوند یوه خبره په صراحت سره دویلو وړ ده، هغه دا چې زموږ د هیواد بې وزلي او وروسته پاتېوالی د زیرمود نشته له کبله نه بلکې د نیمگړیو پریکړو او ناستجول شویو تدبیرونو له امله دي. د پریکړو او تصمیمونو په عیني توب، جامع توب او رغنده والي باندې زما تاکید د اقتصاد په برخه کې د دولت او اړونده بهرنیو سازمانو د تیروکلونو د پریکړو او اجرا اتو څخه منښه اخلي ځکه چې دولت په تیرو څوکلونو کې په



چرا غضنفر بانک را برای کار کردن انتخاب کردم؟

(گپ دل یک کارمند)



برخوردار هستم.

عدم تبعیض نژادی، قومی، لسانی و مذهبی، مدیریت عالی، محیط و فضای سالم و آرام کاری، عدالت کارفرما، تشویق مادی و معنوی کارمندان، وجود زمینه های رشد کارمند، رسیدگی به مشکلات کارمندان و شهرت نیک غضنفر بانک در مارکیت افغانستان از جمله نکات برجسته است که منجر به تشویق من به ادامه کار در غضنفر بانک شده است. در حال حاضر همه با هم صادقانه تلاش می نمایم تا از طریق غضنفر بانک به ویژه بخش سرمایه گذاری های اسلامی آن بتوانیم مصدر خدمت برای فامیل، و مردم کشور عزیز خود افغانستان شویم.

محمد یحیی طنین فارغ دانشکده شرعیات دانشگاه بلخ و در حال حاضر کارمند بخش تمویل مالی اسلامی غضنفر بانک هستم. در آغاز پیشگام شدن غضنفر بانک در بخش بانکداری اسلامی مرا به کار کردن در این بانک واداشت. سرانجام در ماه فبروری سال ۲۰۰۹ میلادی در غضنفر بانک برای انجام کار اقدام نمودم که خوشبختانه از سوی هیأت رهبری بانک استقبال شدم.

پس از اینکه غضنفر بانک جواز فعالیت خویش را در اول ماه مارچ ۲۰۰۹ میلادی به دست آورد، فعالیت بانکی آن روز به روز گسترش یافته و من نیز در کنار سایر کارمندان بانک تلاش می کردم تا بتوانیم غضنفر بانک را در میان سایر بانک ها به معرفی گرفته و خدمات آنرا وسعت بخشیم که خوشبختانه هم اکنون به این آرزوی خود رسیده ایم.

من حالا از کار کردن در غضنفر بانک خیلی راضی هستم، فضای کاری، مدیریت سالم، عدالت کاری و رویه کارفرما از خوبی هایی است که مرا واداشته تا در این بانک کارم را ادامه بدهم. در این بانک رشد کارمند مستقیماً ارتباط به توان کاری، خلاقیت و صداقت وی دارد، به هر اندازه که یک کارمند تلاش ورزد به همان اندازه از طرف مسئول بانک (کارفرما) مورد تشویق قرار می گیرد.

غضنفر بانک برای من زمینه های ظرفیت سازی را در عرصه امورات بانکی در داخل و خارج از کشور مهیا نموده است، به طور نمونه جهت کسب آموزش در بخش بانکداری اسلامی به اسلام آباد - پاکستان اعزام شدم و مدتی چند در آنجا تحت آموزش قرار گرفتم. اکنون من به کار خود در غضنفر بانک افتخار می کنم، زیرا هم ظرفیت کاری ام بلند رفته و هم از امتیاز مالی و معنوی مناسبی



نقش انستیتوت بانکداری و مالی افغانستان (AIBF)

در ارتقای ظرفیت کارمندان غضنفر بانک



با مشتریان برخورد نمایند و چگونه رضایت آنها را جلب کنند را به کارمندان بخش عملیاتی غضنفر بانک آموزش داده اند.

قابل یاد آور است که مسوولین و هیأت رهبری غضنفر بانک برای ارتقای ظرفیت کارمندان این بانک تنها به خدمات انستیتوت بانکداری و مالی افغانستان (AIBF) اکتفا نکرده، فقط از سال ۲۰۱۱ به این طرف برای بیش از ۵۰ نفر در داخل بانک زمینه های آموزش و ارتقای ظرفیت را فراهم نموده و ده ها تن از کارمندان دیگر این بانک را به خارج از کشور غرض کسب آموزش های لازم اعزام نموده اند.



انستیتوت بانکداری و مالی افغانستان (AIBF) که در جهت بهبود سیستم بانکداری افغانستان و ارتقای ظرفیت کارمندان سکتور بانکی کشور فعالیت می نماید، سالانه زمینه آموزش را در بخش های عملیاتی، بانکداری اسلامی، تمویل مالی و قرضه دهی، مالی، کمپلاینس، نحوه تفتیش امورات بانکی و امثال آن را برای کارمندان بانک های دولتی و خصوصی فراهم می نماید. که از سال ۲۰۱۱ میلادی به این طرف برای بیش از ۵۰ تن از کارمندان غضنفر بانک زمینه های آموزش را مساعد نموده و ظرفیت کارمندان این بانک را ارتقا بخشیده است. حتی نجیب الحق کریمی یکتا از کارمندان غضنفر بانک از طریق این انستیتوت برای شرکت در ورکشاپ های پیشرفته بانکداری به کشور بنگلادیش اعزام شده و با کسب امتیاز عالی از این ورکشاپ، هم اکنون در موقف آمریت نمایندگی مرکزی غضنفر بانک سرگرم خدمت به هموطنان عزیز ما افغانستان می باشد.

اخیراً در تاریخ ۴ حوت سال روان برخی از اساتید انستیتوت بانکداری و مالی افغانستان (AIBF) به دفتر مرکزی غضنفر بانک حضور یافته ونحوه ارائه خدمات مشتریان مبنی بر این که چگونه باید



ارایه بودجه سال مالی ۱۳۹۱ به شورای ملی



مسوده بودجه ملی سال ۱۳۹۱ بودجه انکشافی بالغ بر (۱۱۰،۲) میلیارد افغانی تخمین شده که ۴۰ درصد افزایش را نظر به بودجه سال ۱۳۹۰ نشان می دهد.

زاخیلوال اضافه کرد که ۵۷٪ بودجه عادی برای سکتور امنیتی، ۱۷٪ برای معارف و باقی برای پروژه های دیگر تخصیص یافته است. او در مورد بودجه انکشافی گفت که ۶٪ این بودجه در بخش زراعت، ۸٪ در بخش صحت، ۱۶٪ برای انکشاف دهات و باقی مانده در پروژه های دیگر مصرف خواهد شد. بر اساس گزارش وزیر مالیه از جمله ۱۳۴ میلیارد افغانی بودجه عادی حدود ۹/۷۸ میلیارد افغانی از عواید داخلی کشور و باقی از کمکهای خارجی تمویل خواهد شد. وزیر مالیه از پارلمان افغانستان خواست تا هر چه زودتر بودجه ملی را به تصویب برسانند.

محترم داکتر حضرت عمر زاخیلوال وزیر مالیه کشور بودجه ملی سال ۱۳۹۱ را که بالغ به ۲۴۴،۵۳۱ میلیارد افغانی می شود، شامل ۱۳۴،۲۰۱ میلیارد بودجه عادی و ۱۱۰،۲۵۴ میلیارد بودجه انکشافی می باشد، روز ۱۶ دلو ۱۳۹۰ به مشرانو جرگه تقدیم نمود.

جناب زاخیلوال در مورد جزئیات بودجه ملی سال ۱۳۹۱ به تفصیل صحبت کرد و گفت "بودجه ملی به مثابه پلان انکشاف اقتصادی و مطابق به خط مشی دولت در بخش های عادی و انکشافی بادر نظرداشت ضروریات اقتصادی کشور واقعینانه طرح شده است". او علت افزایش در بودجه عادی را افزایش کمیت اردو، پولیس، معارف، حقوق متقاعدین و تطبیق رتب معاشات و برخی موارد دیگر دانسته افزود: مجموع بودجه عادی سال آینده ۱۳۴ میلیارد افغانی بوده و به تناسب سال ۱۳۹۰ حدود چهارده فیصد افزایش را نشان می دهد. در



علاقتمندی سرمایه گذاری دوصد کمپنی

روی معادن افغانستان

از آن پیشنهادهای شان را به دولت افغانستان برای استخراج این معدن ارائه خواهند کرد. معدن حاجی گگ بامیان که از جمله بزرگ ترین معادن آهن در جهان به شمار می رود.

نزدیک به دوصد کمپنی معتبر بین المللی علاقتمندی خود را برای سرمایه گذاری در بخش استخراج معادن و منابع زیرزمینی افغانستان، نشان داده اند.



طبق گزارش وزارت معادن، تحقیقاتی که تا اکنون روی معادن ۳۰٪ از خاک کشور صورت گرفته، ارزش آن سه تریلیون دالر تخمین زده شده است. وحید الله شهرانی، وزیر معادن در مورد نشست اخیرش در لندن که تحت عنوان فرصتهای سرمایه گذاری در معادن افغانستان برگزار شده بود، گفت: گزارش ذخایر زیرزمینی کشور را در اختیار نزدیک

وحید الله شهرانی می گوید معدن آهن حاجی گگ نزدیک به دو میلیارد تن آهن دارد و بزرگترین معدن دست نخورده آهن در جهان است. ارزش معدن حاجی گگ با در نظر داشت قیمت آهن خام در بازار جهانی، بین سیصد تا سیصد و پنجاه میلیارد دالر تخمین شده است.

این بار اول بود که حکومت افغانستان برای سرمایه گذاران جهان، معلومات معدنی خود را به صورت خیلی شفاف و با یک دیدگاه اقتصادی ارائه کرده است

به دوصد کمپنی معتبر بین المللی قرار داده است. وی همچنین گفت با معرفی ذخایر زیرزمینی افغانستان، کمپنی های معتبر بین المللی که در زمینه استخراج ذخایر زیرزمینی فعالیت دارند، از خود علاقتمندی نشان داده اند تا در بخش معادن افغانستان سرمایه گذاری کنند.

وزیر معادن می گوید به سرمایه گذاران بین المللی درباره تمام ذخایر زیرزمینی افغانستان معلومات داده شد و کمپنی هایی که علاقتمندی به استخراج معدن حاجی گگ بامیان را دارند، در ماه حمل سال آینده وضعیت این معدن را از نزدیک بررسی خواهند کرد. پس



افغانستان د سفتا (SAFTA) غړیتوب ترلاسه کړ

افغانستان د سهيلي آسيا د سيمي د آزادې سوداګرۍ (سفتا) غړيتوب ترلاسه کړی دی. تراوسه پوری : افغانستان، بنګلادېش، بوتان، هند، مالديف، نېپال، پاکستان او سريلانکا هيوادونه د سفتا غړي دي. د تجارت د وزارت د رپورت له مخې سفتا به په مارکېټ کې د افغاني توکو د اخستلو وړتيا زياته کړي او سيالي به يې په سيمه کې وهڅوي. په دې توګه به د افغاني توکو د توليداتو بازار د افغانستان د ۳۰ ميليونه خلکو څخه د ۱.۵ ميليارده وګړو لپاره په سهيلي آسيا کې زيات کړاي شي

حمید رحیمی

قهرمان مشت زنی جهان

حریفان بزرګ ما واقعیتی به نام افغانستان را در رقابت های مشت زنی "باور" کرده اند. "او افزود که شرکت یک دختر ورزشکار افغانستان به مسابقات المپیک ۲۰۱۲ لندن قطعی شده و به همین ترتیب سه

حمید رحیمی مشت زن کشور در مسابقاتی که در تاریخ ۲۵ فبروری ۲۰۱۲ خورشید در شهر هامبورګ آلمان برگزار گردیده بود، موفق شد با شکست حریفش به عنوان قهرمانی اتحادیه بوکس جهانی برسد. روسلان رودویچ مشت زن اهل بیلاروس در راند هشتم مسابقه توسط حمید رحیمی ضربه فنی شد و شکست را از رحیمی پذیرفت.



رحیمی که بوکس غیر حرفه ای را از سال ۲۰۰۳ شروع کرده بود در سال ۲۰۰۷ به بوکس حرفه ای روی آورد و از ۲۱ مسابقه حرفه ای که تا حالا انجام داده است در ۲۰ مسابقه پیروز بوده است. در مسابقه شب گذشته هواداران رحیمی به شدت وی را تشویق می کردند، حتی سفیر افغانستان در برلین هم برای تشویق رحیمی در ورزشگاه حضور داشت. رحیمی قرار است امسال در کابل یک دوره مسابقات بوکس به نام صالح برگزار نماید. پیروزی رحیمی و کسب عنوان قهرمانی جهان انعکاس گسترده ای در رسانه های کشور و جهان داشته است.

ورزشکار دیگر نیز قرار است که در دور نهایی این مسابقات در ۱۴ حمل سال جدید، در شهر آستانه قزاقستان به رقابت بپردازند.

پاینده محمد اختری رئیس فدراسیون بوکس کشور گفت: "با این پیروزی، جایگاه مشت زنی افغانستان در سطح دنیا نیز تغییر کرده و



دکتور حُسن بانو غضنفر

وزیر امور زنان از ولسی جرگه رأی اعتماد گرفت



قابل یادآوریست که وزرای منتخب روز چهارشنبه مورخ ۱۷ حوت ۱۳۹۰ خورشیدی در حضور جلالتمآب حامد کرزی رئیس جمهور کشور مراسم تحلیف را به جا آوردند. ریاست جمهوری کشور با انتشار اعلامیه گفته است وزرای منتخب سوگند یاد کردند و تعهد سپردند که وظایف شان را در مطابقت با احکام دین اسلام و رعایت قوانین کشور انجام می دهند.



۹ تن از وزرای پیشنهادی حکومت روز دوشنبه مورخ ۱۵ حوت ۱۳۹۰ خورشیدی از مجلس رأی اعتماد گرفتند.

ولسی جرگه افغانستان برای ۹ تن از وزرای پیشنهادی حکومت دکتور حُسن بانو غضنفر به عنوان وزیر امور زنان، محمد اسماعیل خان وزیر انرژی و آب، امیرزی سنگین وزیر مخابرات و تکنالوژی معلوماتی، دکتور ثریا دلیل وزیر صحت عامه، داوود علی نجفی وزیر ترانسپورت و هوانوردی، نجیب الله اوژن وزیر فواید عامه، دکتور عبیدالله عبید وزیر تحصیلات عالی، حسن عبدالهی وزیر شهر سازی و مسکن و ویس احمد برمک به عنوان وزیر احیا و انکشاف دهات، رأی اعتماد دادند.

جلالتمآب حامد کرزی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان از اعضای ولسی جرگه که در مطابقت با قانون اساسی و سایر قوانین کشور در انتخاب وزرا سهم فعال داشتند، اظهار تشکری کرد و برای وزرای جدید کابینه جهت خدمت گذاری به مردم افغانستان آرزوی موفقیت نمود.



گردآورنده: مجتبی رهنورد

نقش بند امیر در توسعه صنعت توریسم

این سرزمین، نظیر خرابه‌های شهر تاریخی ضحاک، غلغله، بربر و چهل برج، آثار باشکوه برجای مانده از بودایی‌ها بر سینه کوه‌ها و دریاچه‌های زیبای بند امیر، به بازدیدکنندگان و سیاحین لطف و صفای خاصی می‌بخشد.

بند امیر در فاصله ۲۱۵ کیلومتری کابل و در بین هندوکش شرقی و سلسله کوه‌های بابا در مرکز کشور، در یکی از علاقه‌های یکاولنگ و در فاصله ۷۵ کیلومتری بامیان واقع است که متشکل از شش بند به نام‌های بند غلامان، بند قنبر، بند هیبت که کاملاً توسط دیوارهای سنگی شیب دار احاطه گردیده است، بند پنیر در قسمت شرقی، بند پودینه در سمت شمال و بند ذوالفقار که بزرگترین بند این ساحه به شمار می‌رود، ۴۹۰ هکتار زمین را احاطه کرده است این بند ها همواره مملو از آب است و سرریزه آن دریاچه ای را تشکیل می‌دهد که از حاشیه یکاولنگ به جانب شمال جریان می‌یابد، آب‌های چشمه ساران و جویباران نقاط دیگر یکاولنگ نیز به این دریاچه می‌پیوندند و آن را پر آب می‌سازند. بلخاب در شمال یکاولنگ نیز این دریاچه را در آغوش می‌کشد آب هجده نهر در نزدیکی مزار شریف و بلخ نیز مولود بند امیر هستند که مناطق زیادی را در مسیر خود سیراب و شاداب می‌سازند. باید دانست که موجودیت ضمایم بند امیر در ارتفاع سه هزار متر، یک پدیده کم نظیر و قابل توجه است. از سوی دیگر همه ساله

گرچه سیاحت و گردشگری در افغانستان تاریخ کهن دارد اما متأسفانه برای فراهم کردن زمینه‌های جذب سیاحان خارجی توجه خاصی صورت نگرفته است، در حالی که امروزه صنعت گردشگری یکی از منابع سرشار درآمد عده از کشورها در جهان به شمار می‌رود. سود سرشاری که از این طریق به ذخایر مالی کشورها سرازیر می‌شود، دولت‌ها را بر آن داشته تا برای جلب سیاحان و گردشگران، مبالغ هنگفتی را خرج توسعه جاذبه‌های گردشگری کشورشان نمایند. این صنعت، در برخی از کشورها، چنان توسعه و رونق یافته است که بخش بزرگی از بودجه آن‌ها از این منبع تأمین می‌شود.

اماکن تاریخی و طبیعت زیبای کشور ما، از نگاه جاذبه‌های گردشگری، از مقام خاصی برخوردار است؛ طبیعت بکر، کوه‌های سر به فلک کشیده، دریا‌های خروشان، زندگی عنعنوی مردم، آثار تاریخی به جای مانده از دوره‌های یونانی-باختری، کوشانی، اسلامی و... همه ظرفیت‌های پُرکششی هستند که سیاحان را به بازدید از افغانستان تشویق می‌نمایند.

یکی از جاذبه‌های ممتاز گردشگری افغانستان، بند امیر است که در ولایت بامیان قرار دارد. آثار تاریخی بامیان برای سیاحان داخلی و خارجی در حدی برازنده است که سفر نخست خود را به این ولایت اختصاص می‌دهند. زیرا بدون بازدید از آثار تاریخی و مناظر طبیعی





این بند که یکی از زیباترین جاذبه های سیاحتی کشور به شمار می رود، در طول تاریخ مورد توجه دولت ها قرار نگرفته است. تمام جاده های منتهی به بند امیر، خاکی است. گردشگران باید این مسیر طولانی و خاکی را بپیمایند تا به بند امیر برسند، در اطراف و نزدیکی این بند هیچگونه امکاناتی از قبیل هتل، مسافرخانه، فروشگاه، سرویس بهداشتی، وسایل تفریح و سرگرمی و... برای رفع خستگی سیاحان وجود ندارد. اما اگر راه های منتهی به این بند و دیگر اماکن

تعداد کثیری از جهانگردان برای تماشای آن، راه بامیان را در پیش می گیرند. گفته می شود در ماه جوزای ۱۳۵۶ یک هیأت ۱۲ نفری وابسته به موزیم موسسه مطالعات مغاره ها از جمهوری چکسلواکیا سابق به افغانستان سفر نمود، این هیأت متشکل از مغاره شناس، غواص، زمین شناس و جغرافیه دان بود که سه روز در بند امیر به تحقیق پرداخت، این هیأت عمق آب های بند امیر را ۳۰ متر اعلام کرد که در بعضی از قسمت ها بیشتر از آن نیز می باشد.



تاریخی بامیان بازسازی و اسفالت شود، امکانات آسایش و جذب سیاحان فراهم گردد، یقیناً که بند امیر خواهد توانست تا سیاحان بی شماری را از سراسر جهان به سوی خود جذب نماید و فرهنگ استقبال از سیاحان به منظور تقویت بنیه مالی کشور ما احیا گردد.

باورهای مذهبی مردم محل مقام بند امیر را در نزد زائیرین بزرگ و عزیز نموده است، زیرا از این دریاچه ها، به نام های «زیارتگاه قدمگاه»، «چشمه شفا» و امثال آن یاد می کنند. حتی بسیاری از مردم هزاره برای درمان بیماری از این بند ها بازدید می نمایند.



تعلیم و تربیت عامل عمدهٔ تشکیل سرمایه انسانی

ع.ح. ملاخیل

آموزش تغییراتی است که در رفتار افراد در اثر تجربه یا گذراندن مراحل درسی به وجود می آید، آموزش در چارچوب مکتب و مدرسه محدود نشده بلکه پدیده‌ی مداوم و مستمری است که می‌توان آنرا در طول زندگی تجربه نمود. تعلیم و تربیه صرف کسب دانش و مهارت‌ها از طریق سازمان‌های رسمی نبوده بلکه تجارب و مهارت‌هایی را که یک فرد در جریان انجام وظایف فرا می‌گیرد نیز شامل می‌شود. درحال حاضر تعلیم و تربیه به دلیل گسترش دامنه علوم، تجارب بشری، انکشاف تکنالوژی و پیشرفت‌های صنعتی به منظور جستجوی راه‌های کاربرد این انکشافات به یکی از شاخص‌های مهم رشد جوامع تبدیل شده و از اثر آن گرایش و توجه به کمیت و کیفیت سازمان‌ها و نهاد‌های تعلیمی و تربیتی صبغه جهانی را به خود گرفته است.

تعلیم (آموزش) در لغت به معنای دانش آموختن و یاد دادن است و تربیت (پرورش) به معنی پروراندن، پروردن و آداب و اخلاق به کسی آموختن می‌باشد. محافل علمی و تربیتی تعلیم و تربیت را از هم جدا نمی‌دانند و به این عقیده هستند که آموزش مکتب و قبل از آن وسیله‌ی است که از طریق آن زمینه‌ها و مقدمات پرورش بعدی فراهم می‌گردد، اگر تعلیم به شیوه درست انجام شود نوعی از پرورش و وسیله‌ی است که از طریق آن تغییرات مهمی در عادات نگرش‌ها، گرایش و شیوه برخورد با مسائل و خصوصیات فکری افراد به وجود می‌آید و سطح آگاهی آنان را بالا می‌برد بدین صورت تعلیم محور تربیت پنداشته می‌شود.



سیستم تعلیم و تربیه در یک کشور از نظام های مهم اجتماعی است مصارف انجام شده به منظور تعلیم و تربیه علاوه بر وظیفه انتقال میراث های فرهنگی و تجارب بشری از یک نسل به نسل دیگر، ایجاد تغییرات مطلوب در شناخت ها، نگرشها و در نهایت دگرگونی در رفتار کودکان، نوجوانان و جوانان را به بار می آورد که حاصل آن به بارآوردن شخصیت هاست. شخصیت فرهنگی اصلی ترین عامل ایجاد توسعه اقتصادی است که منجبت عامل عمده در روند تکامل تاریخی و دگرگونی های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نقش بازی می کند.

تولید دلخواه اقتصادی و انکشاف آن وابسته به آن است که متحول های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی طوری پی ریزی شوند که بتوانند موجبات ایجاد و تداوم انکشاف را فراهم سازند تجارت حاصل شده از سیر تاریخی انکشاف نشاندهنده آنست که در مراحل اولیه انکشاف یعنی در مرحله ایجاد فضای لازم و مناسب برای رشد و انکشاف سرمایه فزینی دارای اهمیت است. اما در دوام این پروسه عوامل فرهنگی و اجتماعی موثرتر و کلیدی تر است. در مورد نقش این عوامل اتفاق نظرات وجود ندارد. هگن کار شناس امور اقتصادی به این نظر است که شخصیت فرهنگی اصلی ترین عامل ایجاد کننده انکشاف اقتصادی است و تحولات اقتصادی را معلول تحول فرهنگی و منبع آن دانسته و بیان می کند که تحول اساسی و زیربنایی در فرهنگ و تکنیک در جامعه باعث می شود که اقتصاد از حالت رکود فرهنگی خارج شده و رشد و توسعه آغاز گردد. موثریت سیستم های تعلیم و تربیه که بخش بزرگی از مصارف را به خود اختصاص می دهد در آنست که از یک طرف انسان های عادی را به انسان های مستعد، سالم، بالنده و رشد یابنده تبدیل می کند از جانب دیگر به مثابه سرمایه انسانی تأمین کننده ضرورت بخش های مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است یعنی سرمایه انسانی توأم با سرمایه فزینی (ماشین آلات، تأسیسات، راه ها، خطوط آهن، انرژی، زمین و غیره) در تولید و رفع ضرورت های جامعه سهیم می شود.

سرمایه انسانی همانا ذخیره ثروت انسانی است. این ثروت انسانی کارآیی نیروی انسان را می سازد که ناشی از انکشاف ظرفیت ها از اثر سرمایه گذاری برانسان ها در جریان تعلیم و تربیه و کسب تجارب حاصله است. چون به صورت معمول سرمایه را به کالای مولد مادی نسبت می دهند، درحالیکه بزرگترین سرمایه شکل یافته در اجتماع برای پیشبرد امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی همانا سرمایه گذاری روی انسان هاست. یعنی سرمایه گذاری در ابعاد ارزشی، روحی، فکری و جسمی.

از اثر این سرمایه گذاری ها است که زمینه ایجاد و باوری خلاقیت ها،

توانایی ها، و مهارت ها در انسان ها یعنی اینکه افراد صاحب ذخیره ثروت انسانی می شود. از اثر این ثروت انسانی ظرفیت ها بهبود یافته و کارایی نیروی انسانی را افزایش داده ظرفیت ها و توان تولید را بلند می برد.

فلس و نلسون دو تن از دانشمندان بخش آموزش و پرورش اظهار می دارند که برای کشوری که دارای ذخیره سرمایه انسانی بالاتری است امکان جذب تولیدات جدید، تکنالوژی و امکانات اختراعات نوین فراهم می گردد به همین اساس است که ایالات متحده امریکا کشور های اروپایی و جاپان پیشرفت اقتصادی خود را مدیون سرمایه گذاری هایی می دانند که از گذشته ها به این طرف در تعلیم و تربیه آنها صورت گرفته است. همین حالا هم برای کشورهای پیشرفته و کشور هایی که در حال پیوستن به جرگه کشور های پیشرفته هستند، سرمایه گذاری و انجام هزینه ها بر انسان ها در اولویت قرار دارند.

این را هم باید در نظر داشت که صرفاً و صرفاً تعلیم و تربیه موجد و بارورنمودن سرمایه انسانی نبوده بلکه هر فعالیتی که کمیت و بهره وری نیروی کار را افزایش داده متناسب به آن باعث بلند رفتن عاید بعدی گردد، نیز سرمایه انسانی محسوب می شود. بدین صورت مصارفی که در عرصه صحت و درمان، مهاجرت (مهاجرت ها به هدف کسب دانش، شرایط مساعد و بهتر زندگی و کسب عاید بیشتر باشد) نیز سرمایه گذاری به منظور سرمایه انسانی محسوب می گردد.

در پی تعلیم و تربیت که در یک کشور صورت می گیرد به سطوح مختلف سرمایه معنوی را در افراد تراکم می نماید، اما آن سرمایه انسانی موثرتر خواهد بود که در ذهن دارنده آن تفکر مستقل و نیروی عکس العمل ایجاد نماید، یعنی آن مهارت را داشته باشد که در روند تغییر و تحول جامعه بتواند طوری عمل نماید که مهره پایداری این تغییرات گردد.

از آنجایی که ما برای بیرون رفت از وضع رقت بار کنونی نیازمند باز سازی و دگرگونی در عرصه های اقتصادی و اجتماعی هستیم و بدون آن هیچ معجزه یی مشکلات ما را حل کرده نمی تواند بناً توجه به کمیت و کیفیت تعلیم و تربیه که جوابگوی نیازمندی ها باشد ضرورت اکید احساس می گردد. درین صورت از دست اندر کاران تعلیم و تربیه (چه دولتی و چه هم خصوصی) توجه دلسوزانه را تقاضا داریم تا بدین صورت بتوانیم حد اقل وظایف ملی خویش را انجام داده و خدمتی به اقتصاد ویران و درهم و برهم کشور انجام دهیم.



انسان و محیط زیست



طبیعت، بستر رشد و تعالی انسان

فرهنگ اسلامی، طبیعت را گهواره و زمینه ساز پرورش و کمال انسان می داند. نظام طبیعت، بر اساس حکمت آفریده شده و همه عناصر آن از ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا آدمی در پرتو آنها از مادیت به معنویت برسد و دنیا و آخرت را به شایستگی در خود به کمال برساند. یکی از صفات خداوند، حفیظ است بر اساس آموزه های دینی، انسان مسلمان نیز باید خود را به این صفت بیاراید و خود را در هر مکان و موقعیتی نگه دارنده و پاسدار امانت ها و نعمت ها از جمله محیط زیست انسانی بداند. پیشگیری از نابودی و تلف شدن طبیعت نیز با رعایت امانت داری و حفاظت امکان پذیر است.

طبیعت و محیط زیست، موهبتی خداوندی است که زندگی و ادامه حیات به آن وابسته است. آلودگی محیط زیست بر کیفیت و چرخه طبیعت اثر می گذارد و پی آمدهای زیان باری برای زندگی انسان، حیوان و گیاهان دارد. در جهان امروز، مسأله آلودگی، یکی از مهم ترین و حادثترین مشکل تمدن انسانی است و نقش انسان در آلودگی محیط زیست بسیار چشم گیر است. طبیعت، برای بقای نسل بشر آفریده شده است و پیوندی ناگسستی میان انسان و طبیعت دارد. طبیعت، نعمتی است که خداوند به امانت در اختیار انسان قرار داده بنابراین انسان ها اجازه ندارند لجام گسیخته از طبیعت بهره برداری کنند و حق ندارند با آلوده کردن و ویران ساختن طبیعت، به آسایش برسند.



نقش خاک در محیط زیست انسان

از انواع آلودگی های محیط زیست یکی هم آلودگی خاک است. خاک، از منابع مهم طبیعت و پالاینده و تصفیه کننده آن است. بدون خاک سالم، ادامه زندگی ممکن نیست؛ زیرا نود و پنج درصد غذای انسان از زمین تأمین می شود. خداوند، زمین و آسمان و همه نعمت های آن را برای آدمی آفریده و طبیعت را رام و مطیع انسان ساخت تا بتواند هرگونه بهره را از آن ببرد. همه عناصر طبیعت، نه تنها متعلق به همه انسان ها بلکه متعلق به تمام آفریده های خداوند است، هیچ کس حق نابودی و آلودگی آنها را ندارد. عواملی چون رشد شهرنشینی، ازدیاد زباله های شهری و جذب شدن برخی مواد کیمیای در خاک، حفاری های معادن، استفاده بی رویه از سموم و دواهای ضد آفات نباتی و مصرف بیش از حد کودهای کیمیای، به فرسایش و آلودگی خاک و تخریب سطح زمین می انجامد. منابع محیط زیست، از مشترکاتند و همه حق دارند درست و منظم از آنها استفاده بکنند، هیچ کسی حق ندارد با آلوده کردن و استفاده نادرست آنها، زیست دیگران را به محیطی غیرصحی، دشوار و خطر آفرین تبدیل کند و همه در برابر این عناصر، مسؤول هستند.

دنیای امروز و محیط زیست بی روح

دنیای صنعتی امروز با تخریب جنگل ها و نابودی فضاهای سبز و بژمردگی و مرگ گل و گیاه روبرو است. پیشرفت بی رویه صنعت، همان گونه که صفا، یک دلی و پیوندهای استوار خانوادگی را از مردم صنعت زده گرفته و روان شان را رنجور و افسرده ساخته است، آخرین روزنه های امید را نیز که جنگل ها و دشت های خرم و مزرعه های سرسبز بود، تباہ ساخت و انسان را در میان آهن های خشن، دیوارهای استنادی و دود و آلودگی های گوناگون صنعتی، بی کس و تنها رها کرد. اکنون انسان های بی شماری به سرگردانی، پریشان حالی و افسردگی دچار شده اند که نتیجه شوم و ناخواسته جهان صنعتی است و آرام آرام به فاجعه ای انسانی تبدیل می شود. گفتنی است که دانشمندان، آفات صنعتی را بیش از بلاهای طبیعی دانسته اند. بر این اساس، احیای دوباره محیط زیست و برگرداندن شادابی زمین به آن، نقش مهمی در ایجاد روحیه نشاط و امید در انسان دارد. بنا براین پرهیز از آلوده کردن خاک و استفاده درست از آن، به منظور تأمین نیازهای انسان، نوعی شکرگذاری، دوستی با طبیعت و امانت داری در مقابل نعمت های خداوندی است.

در بینش دین اسلام، انسان پیوند ویژه ای با طبیعت دارد. انسان از زمین پدید آمده است و باید حرمت آن را نگه دارد، حفظ حرمت زمین به این است که آن را آباد سازند و از ویرانی در امان دارند. از نگاه قرآن، آبادانی زمین، وظیفه انسان است. خداوند با اینکه طبیعت را رام شده انسان می داند و اینکه می تواند هرگونه بهره برداری از آن بکند، به او هشدار می دهد که به بهانه استفاده از طبیعت، نباید آن را نابود سازد. باید به گونه ای از طبیعت بهره برد که جریان حیاتبخش همچنان برای نسل های آینده فراهم باشد. آلوده کردن آب ها، از میان بردن پوشش های گیاهی، استفاده بی رویه از چوب جنگل ها، هدر دادن انرژی طبیعی و کوتاهی در بازسازی محیط زیست، در واقع، دور شدن از آموزه های ارزشمند انسانی و الهی است.

جنگل؛ طلای سبز

جنگل، از ثروت های طبیعی و از عناصر مهم حیات وحش هر زمینی به شمار می آید. با قطع درختان و نابودی جنگل ها، به پیشروی آب باران در زمین های صاف و هموار و در نتیجه از ذخیره شدن آب در خاک جلوگیری می شود و به دنبال آن، فرسایش منابع طبیعی آغاز می گردد.

عواملی همچون توجه نکردن به ارزش های زیست محیطی و تنوع زیست، سامان ندادن به مراکز جمعیتی و مشاغل داخل و حاشیه جنگل ها، بهره برداری بی رویه و غیراستاندارد از درختان و منابع جنگلی و جاده سازی، در سرعت بخشی به تخریب وسیع این منابع ارزشمند بسیار مؤثرند. جنگل، هدیه الهی و دوست لازم بشر به شمار می رود. هیچ یک از پدیده های طبیعت، به اندازه جنگل در زندگی سالم انسان ها نقش اساسی ندارد. انسان نخستین، تنها در پناه طبیعت توانست به حیات و تولید نسل خود ادامه دهد. آدمی در قبال نگهداری جنگل و نوع بهره وری از آن، مسؤول است. بدیهی است که جنگل، فقط متعلق به یک نسل و زمان خاص نیست، بلکه یک سرمایه ملی و جهانی است. در آموزه های دینی نیز بارها به اهمیت درخت و درخت کاری و حفظ و پرورش گیاهان اشاره شده است.

پیامبر گرامی اسلام در حدیثی فرمود: «هرکه درختی بنشاند و ثمر دهد، خداوند به اندازه میوه های آن درخت به او پاداش می دهد.»



ناهید محمدی

خلاقیت و نوآوری

پدید آید که در بستر آن مغز بیندیشد و تکامل یابد و سبب ساز افکار نو شده و شرایط برای سازندگی در جامعه مهیا شود.

با افزایش سپرده گذاری های اخلاقی می توان شرایط را برای شکل گیری یک محیط آرامبخش در جامعه فراهم کرد.

کاهش سپرده گذاری های اخلاقی در جامعه سبب می شود که زمینه برای گسسته شدن روابط اجتماعی گسترش یابد و با سست شدن پیوندهای اجتماعی، شرایط لازم برای بروز خلاقیت در جامعه سخت تر می شود. زیرا فرصتی برای تفکر کردن وجود نخواهد داشت.

خلاقیت چیست؟

خلاقیت یعنی تلاش برای ایجاد یک تغییر هدفدار در توان اجتماعی یا اقتصادی اداره، به کارگیری توانایی های ذهنی برای

با پیشرفت روز افزون دانش و تکنولوژی و جریان گسترده اطلاعات، جوامع امروزی نیازمند آموزش مهارت هایی است که با کمک آن بتواند همگام با توسعه علم و فناوری به پیش برود.

هدف باید پرورش انسان هایی باشد که بتوانند با مغز خلاق با مشکلات روبرو شده و به حل آنها بپردازند. به گونه ای که انسان ها بتوانند به خوبی با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و با بهره گیری از دانش جمعی و تولید افکار نو مشکلات را از میان بردارند. امروزه انسان ها نیازمند آموزش خلاقیت هستند که با خلق افکار نو به سوی یک جامعه سعادت مند قدم بردارند.

رشد فزاینده اطلاعات، سبب شده است که هر انسانی از تجربه و علم و دانشی برخوردار باشد که دیگری فرصت کسب آنها را نداشته باشد، لذا به جریان انداختن اطلاعات حاوی علم و دانش و تجربه در بین انسان ها یکی از رموز موفقیت در دنیای امروز است.

هیچ کس قادر نیست به میزان اطلاعات واقعی هر کس که در گوشه ذهن او نهفته است پی ببرد. این اطلاعات زمانی به حرکت در می آید که انگیزه ای قوی سبب رها شدن آن به بیرون ذهن می شود. در این مرحله انسان ها به سرنوشت یکدیگر حساسند و در جهت رشد یکدیگر می کوشند و در نهایت سبب می شود جریانی از علم و دانش و تجربیات میان آنها جاری شود که همین امر زمینه ساز نوآوری و خلاقیت خواهد بود.

یکی از عوامل مؤثر در بروز خلاقیت در یک جامعه، زمینه سازی و بستر سازی فرهنگ خلاقیت در بین انسان ها است که براساس آن همگان در تلاش برای رشد دادن دیگری هستند و با تأثیر بر روی یکدیگر به پیشرفت جامعه کمک می کنند. یکی از شرایط لازم برای پدیدار شدن افکار نو، وجود آرامش برای مغز است.

به همین خاطر لازم است انسان ها بکوشند در جامعه شرایطی





ایجاد یک فکر یا مفهوم جدید، توانایی پرورش یا به وجود آوردن یک اندیشه جدید و طی کردن راهی تازه یا پیمودن یک راه طی شده قبلی به طرز نوین را خلاقیت می گویند.

اما خلاقیت از دیدگاه روانشناسی یکی از جنبه‌های اصلی تفکر یا اندیشیدن است. تفکر عبارت از بازآرایی یا تغییر اطلاعات و نمادهای کسب شده موجود در حافظه درازمدت است.

براساس این تعریف خلاقیت ارتباط مستقیمی با قوه تخیل یا توانایی تصویرسازی ذهنی دارد. این توانایی عبارت از فرایند تشکیل تصویرهایی از پدیده‌های ادراک شده در ذهن و یا یافتن راه‌های جدید برای انجام دادن بهتر کارها است.

خلاقیت یعنی توانایی ارائه راه حل جدید برای حل مسائل و ارائه فکرها و طرح‌های نوین برای تولیدات و خدمات جدید و استمرار آن پس از غیبت آن پدیده‌ها.

اما تعریف خلاقیت از دیدگاه اداری به معنای ارائه فکر و طرح نوین برای بهبود و ارتقاء کمیت یا کیفیت فعالیت‌های یک اداره؛ مثلاً افزایش بهره‌وری، افزایش تولیدات یا خدمات، کاهش هزینه‌ها، تولیدات یا خدمات از روش بهتر، تولیدات یا خدمات جدید و غیره.

روبرت جی استرنبرگ و لیندا ای اوهارا دوتن از کارشناسان امور اجتماعی در بررسی‌های خود دانش، توانایی عقلانی، سبک فکری، انگیزش، شخصیت و محیط را در خلاقیت افراد مؤثر دانسته‌اند.

این محققان مشخص کردند که عمده‌ترین دلیل عدم کارایی برنامه‌های آموزش خلاقیت، تاکید صرف این برنامه‌ها بر تفکر خلاق به عنوان یکی از منابع مؤثر در خلاقیت می‌باشد.

جایی که سایر عوامل نیز تأثیر بسزایی در موفقیت و شکست برنامه‌های آموزشی خلاقیت ایفا می‌کنند جورج اف نلر در کتاب هنر و علم خلاقیت برای خلاقیت مراحل چهارگانه: آمادگی، نهفتگی، اشراق و اثبات را ذکر کرده است.

از این دید، افراد خلاق ابتدا با مسئله یا یک فرصت آشنا شده و سپس از طریق جمع آوری اطلاعات با مسئله یا فرصت مورد نظر

درگیر می‌شوند. در مرحله بعد افراد خلاق روی مسئله تمرکز می‌کنند، در این مرحله فعالیت ملموسی مشاهده نمی‌شود و فرد سعی در نظم دادن تفکرات، اندیشه‌ها، تجارب و زمینه‌های قبلی خود جهت نیل به یک ایده دارد.

درگیری ذهنی عمیق فرد (خودآگاه و ناخودآگاه) فراهم کردن فرصت (جهت تفکر بر مسئله) منجر به خلق و ظهور ایده‌ای جدید و بدیع می‌شود. در نهایت فرد خلاق در صدد برمی‌آید صلاحیت و پتانسیل ایده خویش را به اثبات برساند.

نوآوری چیست؟

منظور از نوآوری خلاقیت متجلی شده و به مرحله عمل رسیده است، به عبارت دیگر نوآوری یعنی اندیشه خلاق تحقق یافته؛ نوآوری همانا ارائه محصول، فرایند و خدمات جدید به بازار است؛ نوآوری به کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم جدید است.

خلاقیت به طور عام یعنی توانایی ترکیب اندیشه‌ها به شیوه‌ای منحصر به فرد یا ایجاد ارتباطی غیرمعمول بین اندیشه‌ها.

نهادی که مشوق نوآوری است نهادی است که دیدگاه‌های ناشناخته به مسائل یا راه حل‌های منحصر برای حل مسائل را ارتقا می‌دهند.

نوآوری فرایند کسب اندیشه‌ای خلاق و تبدیل آن به محصول و خدمت و یا یک روش عملیاتی مفید است.

بعضی افراد براین باورند که خلاقیت ذاتی است، برخی دیگر باور دارند که با آموزش هرکس می‌تواند خلاق شود. در دیدگاه دوم خلاقیت را می‌توان فرایندی چهار مرحله‌ای دید مرکب از ادراک، پرورش، الهام و نوآوری. ادراک یعنی نحوه دیدن چیزها.

خلاق بودن یعنی چیزها را از زاویه ای منحصر به فرد دیدن.

به عبارتی یک کارمند ممکن است راه حل‌های یک مسئله را طوری ببیند که دیگران نمی‌توانند آن طور ببینند. رفتن از ادراک به حقیقت به هر حال فوراً اتفاق نمی‌افتد.



نقش مدیریت در پرورش خلاقیت

نقش مدیریت در مجموعه‌هایی که خلاقیت و نوآوری از ضروریات و عامل اصلی است بسیار مهم و حساس است زیرا مدیریت می‌تواند توانایی و استعداد خلاقیت و نوآوری را در افراد ایجاد، ترویج و تشویق کند و یا رفتار و عملکرد او می‌تواند مانع این امر حیاتی شود. هنر مدیر خلاق عبارت است از استفاده از خلاقیت دیگران و پیدا کردن ذهن‌های خلاق.

مدیر خلاق باید فضایی بیافریند که خودش بتواند خلاق باشد و افراد سازمان را نیز برای خلاقیت تحریک کند و این فضا، فضایی است که از کار روزمره به دور است و به نحوی تفویض اختیار می‌کند تا هر کسی خود مشکل خودش را حل کند.

برای این که افراد در اداره به تفکر بپردازند باید محیطی ایجاد شود که در آن به نظریات و اندیشه‌ها امکان بروز داده شود. یکی از شیوه‌های بسیار مهم و پرجاذبه پرورش شخصیت انسان‌ها و همین طور خلاقیت و نوآوری و حتی رشد اجتماعی مشورت است و بدون تردید افرادی که اهل مشورت هستند از عقل و فکر بیشتری برخوردارند و آنان که اهل آن نیستند از این امتیاز بهره‌ای ندارند.

یک اداره خلاق تا اندازه زیادی به داشتن استقلال کاری کارکنانش وابسته است. استقلال کاری کارمند را در خواستن و تمایل برای ارائه ابتکار و خلاقیت به نمایش می‌گذارد.

مدیران می‌توانند هر سه مولفه خلاقیت یعنی تخصص، مهارت‌های تفکر خلاق و انگیزش را تحت تأثیر قرار دهند. اما واقعیت آن است که تأثیرگذاری بر دو مولفه اول بسیار دشوارتر و وقت گیرتر از انگیزش است.

انگیزش درونی را می‌توان حتی با تغییرات جزئی در محیط سازمان به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش داد. این بدان معنا نیست که مدیران باید بهبود تخصص و مهارت‌های تفکر خلاق را فراموش کنند. اما زمانی که اولویت بندی در اقدام مطرح می‌شود، آنها باید بدانند که اقدامات مؤثر بر انگیزش درونی، نتایج فوری تری را موجب خواهند شد.

در عوض اندیشه‌ها از فرایند پرورش می‌گذرند. بعضی اوقات کارکنان نیاز دارند که در مورد اندیشه‌های خود تعمق کنند. این به معنای فعالیت نکردن نیست بلکه در این مرحله کارکنان باید داده‌های انبوهی را که ذخیره، بازیابی، مطالعه و دوباره شکل دهی کرده‌اند در نهایت در قالب چیزی جدید بریزند. گذشت سالیان برای طی این مرحله امری طبیعی است.

در فرایند خلاقیت الهام آن لحظه‌ای است که تمامی تلاش‌های قبلی شما به طور موفقیت آمیز به ثمر می‌رسند. گرچه الهام به شعف می‌انجامد اما کار خلاقیت تمام نشده است.

خلاقیت به تلاش نیاز دارد. نوآوری یعنی گرفتن آن الهام و تبدیل آن به تولیدی مفید خدمت یا روش انجام چیزی. این گفته را به ادیسون نسبت می‌دهند که «خلاقیت یعنی یک درصد الهام و ۹۹ درصد عرق ریختن» به عبارتی ۹۹ درصد نوآوری را آزمون، ارزیابی کردن و باز آزمون آن چیزهایی تشکیل می‌دهد که توسط الهام دریافت شده است.

معمولاً در این مرحله است که یک فرد دیگران را بیشتر مطلع و درگیر آن چیزی می‌کند که روی آن کار کرده است.

ویژگی‌های افراد خلاق

روانشناسان و کارشناسان امور اجتماعی سلامت روانی و ادراکی، انعطاف پذیری، ابتکار، ترجیح دادن پیچیدگی نسبت به سادگی، استقلال رأی، داور، کنجکاوی، دادن ایده‌های زیاد در باره یک مسأله، ارائه ایده‌های غیر عادی، توجه جدی به جزئیات، دقت و حساسیت نسبت به محیط، روحیه انتقادی، علاقه وافر به آزمایش کردن و تجربه، نگرش مثبت نسبت به نوآفرینی، آرامش و آسودگی خیال، شوخ طبعی، دلگرمی و امید به آینده، توانایی برقراری ارتباط عمیق و صمیمانه با دیگران، اعتماد به نفس، پیش قدمی در قبول و رویارویی با مسائل، مسوولیت پذیری و توانایی سازمان دادن به فعالیت‌های گوناگون و قدرت جلب حس اعتماد و اطمینان دیگران را مهمترین ویژگی‌های افراد خلاق بیان داشته اند.



خواص غذایی و درمانی انجیر

سیمین فرزانه

آن را با ۱۲ عدد کشمش صبح ناشتا بخورند.

- جوشانده برگ انجیر در منظم نمودن عادات ماهیانه خانم هایی که مبتلا به بی نظمی عادت ماهانه شده اند، مؤثر است که باید جوشانده را چند روز قبل از عادت ماهانه مصرف نمایند.
- شیر سفیدی که از دم برگها یا میوه انجیر خارج می شود بهترین درمان میخچه و زگیل است و باید آن را صبح و شب روی میخچه گذاشت تا آن را زایل کند.



- انجیر برای نرم کردن سینه و روده ها دارای خاصیت معروفی است.
- اگر ۴۰ تا ۱۲۰ گرم انجیر خشک را در یک لیتر آب بجوشانید، جوشانده ای بدست می آید که برای معالجه زکام های شدید و تورم های حنجره مفید است.
- دم کرده برگ های آن به مقدار ۲۶ تا ۳۰ گرم در یک لیتر آب، مسکن و برای معالجه سرفه تجویز می شود.
- جوشانده انجیر خشک در التهاب دستگاه تنفس تجویز می شود. کولی و غرغره کردن جوشانده انجیر خشک برای درمان گلو درد و سرما خوردگی بسیار مؤثر است.
- اگر ۵ تا ۷ گرم انجیر خشک را در مقداری آب ریخته و با آتشی ملایم بپزند تا به صورت شربتی درآید این شربت درد گلو را آرام می کند و سرفه را تسکین می دهد.

انجیر میوه ای مقوی، شیرین، نیروبخش، خوش طعم و فربه کننده است که در قرآن به آن سوگند یاد شده است. گرچه درخت انجیر در اکثر نقاط دنیا می روید اما درخت این میوه از آسیای غربی و کشورهای مدیترانه به عربستان، سوریه و فلسطین برده شده است. بلندی درخت انجیر تا شش متر می رسد و به دلیل عدم مقاومت در مقابل سرمای شدید، بیشتر در مناطق معتدله و گرمسیر غرس می شود. درخت انجیر از سال چهارم تا بیست سالگی سالیانه سه مرتبه (بهار، تابستان و خزان) میوه می دهد. انجیر، قند زیادی دارد. ۵۰ درصد انجیر خشک را قند تشکیل می دهد. همچنین منبع خوبی از پتاسیم، مگنیزیم، کلسیم، فسفر و ویتامین های A, B, C است.

بر اساس نتایج پژوهشی جدید در مصر، انجیر تازه یا خشک بهترین ماده انرژی زا برای ورزشکاران است. نیم ساعت پس از خوردن انجیر، قند آن به راحتی جذب بدن می شود و انرژی مورد نیاز ورزشکاران تأمین می شود.

انجیر تازه حاوی پتاسیم و کلسیم و آهن و ویتامین های گروه «ب» است که برای سلامت پوست و عضلات و اعصاب مفید است.

انجیر خشک حاوی مواد غذایی غلیظ شده است و میزان ویتامین ها و مواد معدنی و کالری آن بیشتر از انجیر تازه است (در حدود برابر) ماده پکتین انجیر خشک کلسترول خون را کاهش می دهد.

خواص درمانی انجیر

- انجیر ادرارآور است و کسانی که به خروج ادرار احتیاج دارند باید انجیر مصرف کنند. انجیر سینه را نرم می کند.
- جوشانده ۴۰ تا ۱۲۰ گرم انجیر در یک لیتر آب برای معالجه برونشیت مزمن، زکام و گرفتگی صدا مفید است.
- مربا و کمپوت انجیر برای درمان یبوست مؤثر است لذا میتوان ۳ تا ۴ انجیر تازه را چهار قطعه کرده و در نیم لیتر شیر جوشانده تا پخته شود و



- مصرف گرد انجیر به جای قهوه در بیماریهای برونشیت، سینه پهلو و سیاه سرفه مفید است.
- جوشانده شاخه نازک درخت انجیر، آبی را که در بافت های بدن جمع شده خارج می کند از این جهت در مورد مرض استسقاء نیز مصرف آن مفید است.
- انجیر بیش از هر میوه ای قند طبیعی دارد و به مقدار قابل توجهی دارای ویتامین های «آ» و «ب» است. اگر انجیر را بیزند و به شکل کمپوت و یا مربا درآورند برای اشخاصی که سوء هاضمه یا یبوست دارند مفید است.
- انجیر بواسیر را قطع می کند و برای باد قولنج مفید است.
- انجیر نقرس را معالجه می کند و قوای جنسی را زیاد می کند.
- انجیر بوی بد دهان را از بین می برد و استخوان ها را محکم می کند.
- انجیر میوه ای است بسیار مغذی که هضم آن آسان است و مصرف آن برای بچه ها و اشخاصی که از بستر بیماری برخاسته اند و دوره نقاهت را می گذرانند بسیار مفید است.
- انجیر به علت دارا بودن دانه های ریز، باعث تقویت روده و معده می شود ولی برای کبدهای ضعیف زیان آور است.
- خوردن جوشانده انجیر خشک در تمام التهابات دستگاه تنفس مانند ذات الریه، ذات الجنب، آسم، تنگی نفس، سرماخوردگی های مکرر مفید است.
- غرغره کردن و دهان شویه با جوشانده انجیر خشک، ورم لثه، ورم دهان و ورم گلو را درمان می کند.
- اگر خمیر انجیر با آرد جو و گندم را به صورت مرهم، روزی ۲ مرتبه در محل ورم گوش و دمل ها قرار دهند اثر شفا بخش دارند.
- برگ تازه انجیر برای التیام جراحات و زخم ها و جوش خوردن سریع زخم های سطحی مؤثر است. می توان برگ تازه را به مدت کمی روی زخم های سطحی گذارد، اگر برگ خشک کرده درخت انجیر را بکوبید و در سرکه بخیسانید و به پوست بدن که پوسته پوسته می شود بمالید اثر شفا بخش دارد.
- برگ خشک کرده درخت انجیر را بکوبید و در آب خیس نموده و بر سر یا ابرو بمالید، ریزش مو را بر طرف می کند.
- یک قطره از شیرآبه سفید رنگ انجیر را در داخل دندانی که پوسیده و کرم خوردگی دارد بمالید، درد را تسکین می دهد.
- وجود مقدار زیاد فسفر این حقیقت را نشان می دهد که انجیر در پرورش هوش و حافظه بسیار مؤثر است.
- سرشار بودن انجیر از پتاسیم تأمین کننده سلامتی کودکان ضعیف و کم خون و بی اشتها است.
- اگر انجیر و عسل را به طور مساوی با هم مخلوط کنید جهت زخم معده بسیار مفید است.
- انجیر می تواند در بیماران مبتلا به عدم کفایت کبد و رماتیسم مزمن مؤثر باشد.
- انجیر بهترین غذا برای بیماران عصبی است.
- برای معالجه آبسه دندان و ناراحتی لوزه و گلو انجیر پخته بسیار مفید است. مرهم انجیر پخته شده در سرکه، برای درمان سوزش، خشکی و خشونت زخم ها بسیار مؤثر است.
- عوارض جانبی انجیر
- انجیر برای مبتلایان به قند مضر است. انجیر برای اشخاص چاق، زیان آور است
- انجیر برای مبتلایان به اختلال معده و روده مضر است.
- زیاده روی در خوردن انجیر، برای معده و چشم زیان آور است.
- انجیر برای کبدهای ضعیف مناسب نیست و آنهایی که کبد ضعیف دارند، باید انجیر را با چهارمغز بخورند





احمد جاوید کریمی

راه های مقابله با خجالت

آشنایان لذت می برد، ترسش فرو می ریزد و این حالت مقدمه لازم و مطلوبی برای اجتماعی تر شدن کودک است.
خانواده و فرزندان کمرو

در بررسی علل کمرویی به طور مشخص باید به شرایط و عوامل خانوادگی، ویژگی های شخصی و شخصیتی، نظام باورها و رفتارهای فردی و موقعیت های روانی و اجتماعی اشاره کرد. محیط خانواده و تجارب اولیه کودک به خصوص در ایام قبل از شش سالگی و سال های آغازین مکتب، اصلی ترین نقش را در شکل گیری شخصیت کودک دارد. در این دوران الگوهای رفتاری بزرگسال، برنامه های تلویزیونی، نحوه و میزان ارتباطات عاطفی، کلامی و اجتماعی خردسالان با والدین و بزرگسالان خانواده بیشترین تاثیر را در رشد مطلوب اجتماعی یا به وجود آمدن اضطراب و کمرویی کودکان می تواند داشته باشد.

زمانی که الگوهای بزرگسال مثل والدین، خودشان عموماً مضطرب بوده، از مهارت برقراری روابط عاطفی اجتماعی مطلوب و خوشایند با دیگران، به ویژه با فرزندان خود بی بهره باشند، بدون شک طبیعی است که فرزندان این خانواده نیز بیاموزند که کمرو باشند. به همین دلیل بعضی از روانشناسان کمرویی کودکان را در نتیجه یادگیری و تقویت آن در خانه و مکتب می دانند. کمال جویی و آرمانگرایی فوق العاده والدین و انتظارات نامعقول آنان از فرزندان در شرایط گوناگون و وادار کردن آنها به رفتارهای کلیشه ای و قالبی و عکس العمل های تصنعی در موقعیت های مختلف اجتماعی، (در حضور میهمانان، هنگام میهمانی رفتن، حضور در مجالس جشن و مراسم عمومی، در کوچه و شهر، در داخل ملی بس، هنگام لباس پوشیدن، غذاخوردن، نگاه کردن، صحبت کردن، راه رفتن و...)، سختگیری بیش از حد بر کودکان و نوجوانان و داشتن توقعات زیاد، رفتار خصمانه و عصبی با آنها، تهدیدها و تنبیه ها، تحقیرها و تهدیدهای ناروا یا حمایت های افراطی و غیرضروری از فرزندان، از اصلی ترین زمینه های رشد معیوب اجتماعی کودک و بروز کمرویی به شمار می آیند.

کمرویی (خجالت) یک پدیده پیچیده روانی اجتماعی است. کمرویی، یک صفت یا ویژگی ارثی یا ژنتیکی نیست، بلکه اساساً در نتیجه روابط نادرست بین فردی و سازش نایافتگی های اجتماعی در مراحل اولیه رشد، در خانه و مکتب پدیدار می شود.

با اینکه برخی از روانشناسان بر این عقیده اند که بعضی افراد کمرو متولد می شوند، اما باید توجه داشت که بحث درباره سندرم کمرویی و استعداد بیشتر بعضی از کودکان در ابتلا به کمرویی، به معنای ارثی بودن کمرویی مثل رنگ چشم و پوست نیست. بدیهی است کودکان کمرو عموماً متعلق به والدینی هستند که خودشان کمرویی دارند، لیکن این به آن معنا نیست که این قبیل کودکان کمرویی را از طریق ژن های ناقل از والدین خود به ارث برده اند، بلکه اساساً به این معناست که کمرویی را از آنها یاد گرفته اند.

کمرویی ناشی از ترس

کمرویی ناشی از ترس، عموماً از سال اول زندگی نوزاد مشاهده می شود. مطالعات انجام شده روی نوزادان، حاکی از این است که در اواسط سال اول زندگی (غالباً در شش ماه دوم آن)، کمرویی به عنوان یک پدیده همگانی در همه نوزادان، نسبت به بیگانه ها و افراد آشنایی که به خاطر تغییر لباس و آرایش ظاهراً متفاوت به نظر می آیند، دیده می شود. به عبارت دیگر در این شرایط اضطراب ناشی از روبه رو شدن با بیگانه ها و ناآشناها، وجود کودک را فرا می گیرد.

در حقیقت کودک خردسال، از این رو کمروست که مردم برایش ناآشنا هستند، از او بزرگ تر، قوی تر، قدرتمندتر و مقتدرترند و کودک نمی داند که در شرایط گوناگون چگونه با وی برخورد خواهند کرد. بعد از شش ماهگی، کودکان خردسال به تدریج به لحاظ رشد ذهنی و عاطفی، می توانند افراد آشنا را از دیگران تشخیص دهند. همراه با افزایش دامنه ارتباطات کودک با دیگران، کم کم بر تجارب خوشایند و دوست داشتنی وی افزوده می شود و کودک از ارتباط و همنشینی با دیگران به خصوص



مشاهده دوگانگی و تعارض در رفتار الگوهای بزرگسالان و ایجاد ناهماهنگی در مفاهیم اساسی شخصیت کودک، موجب کشمکش های درونی و در نتیجه اختلال در رشد طبیعی می شود، اضطراب شدید و کمرویی کودک را به همراه خواهد داشت. کمرویی در میان فرزندان اول خانواده و تک فرزندها بیش از سایر فرزندان خانواده دیده می شود، به خصوص زمانی که والدین قادر نباشند زمینه تربیت و رشد اجتماعی مطلوب و هماهنگ ایشان را مطابق با نیازهای عاطفی و اجتماعی آنان فراهم آورند. به طور کلی در بیشتر موارد، فرزندان اول خانواده و تک فرزندها با بزرگ ترها بیشتر همانند سازی می کنند و تمایل ایشان در برقراری ارتباط با بزرگسالان بیش از همسالان شان است.

مکتب به عنوان اولین جایگاه رسمی تجربه اجتماعی کودکان، می تواند نقش تعیین کننده ای در تقویت کمرویی یا پرورش مهارت های اجتماعی آنان ایفا کند. متأسفانه در بسیاری از موارد، کمرویی کودکان در محیط مکتب و فضای صنف درسی تقویت می گردد و چنین رفتار ناخوشایندی در شخصیت کودک تثبیت می شود. در غالب موارد، مسوولین مکتب رفتار انفعالی و آرام و سکوت مضطربانه کودک یا کودکان کمرو و ناتوان را به عنوان یک صفت پسندیده و ویژگی رفتاری مطلوب تلقی می کنند، بعضاً با تایید و تشویق های خود، به طور مستقیم و غیرمستقیم سعی می کنند آن را تقویت کنند. واقعاً جای بسی تعجب و تأسف است که در بسیاری از مکاتب شاگردان کمرو بالاترین نمره تہذیب را دریافت می کنند.



کمک های زمستانی بنیاد غضنفر

به ایتام و بیوه زنان نواحی مختلف شهر کابل

آرد، یک قوطی روغن، یک سیر برنج و بیست سیر چوب که قیمت مجموعی این کمک ها مبلغ سه صد و پنجاه و هفت هزار و هشتصد (۳۵۷۸۰۰) افغانی می شود، اهدا گردید.

همچنان کارکنان مرکز تعلیمی زنان افغان و بیجا شده گان منطقه دیوان بیگی در تاریخ ۲۶ دلو ۱۳۹۰ خورشیدی تحت پوشش بنیاد غضنفر قرار گرفت. این کمک ها که جمعاً مبلغ ۲۰۰۰۰۰ دالر امریکایی ارزش داشت، توسط پوهنمل دکتور حُسن بانو غضنفر سرپرست وزارت امور زنان به کارمندان مستحق و بی بضاعت این وزارت اهداء گردید. همچنان بخشی از این کمک ها که مشتمل بر برنج، روغن و دغال بود، از طریق وزارت امور زنان به بیجا شدگان، ایتام، معلولین و خانواده های بی بضاعت منطقه دیوان بیگی توزیع گردید.

بر اساس تصمیم هیأت رهبری بنیاد غضنفر، مبنی بر حمایت از ایتام و بینوایان به ویژه در فصل سرمای زمستان، در تاریخ ۲۳ تا ۳۰ دلو ۱۳۹۰ خورشیدی، سیزده خانواده یتیم، معلول و بی بضاعت در منطقه چمنندی چهار قلعه شهر کابل، چهارده خانواده در منطقه زمین آباد پل چرخ، چهارده خانواده در منطقه کمپنی، پانزده خانواده در منطقه اونچی باغبانان دشت برچی، پانزده خانواده در منطقه ده دانا، پانزده خانواده در منطقه ده خدایداد و چهارده خانواده یتیم، معلول و بی بضاعت در منطقه پروژه خراسان واقع خیرخانه شهر کابل تحت پوشش کمک های بنیاد غضنفر قرار گرفتند.

نخست تیم سه نفری بنیاد غضنفر این خانواده ها را به کمک امام مسجد و متنفذین منطقه شناسایی نموده و به هر خانواده یک بوری



مولوی و مذهب عشق

ترجمه محمد امین ادیبی

مجدد محبوب است. از دیدگاه مولانا حس پریشانی همواره در ژرفای روح آدمی حضور دارد و روح ما در این جهان هرگز آرام نخواهد بود؛ چه، همواره نوعی «درد فراق» را تجربه می‌کند. از این رو، شکایت نی، آوای غم‌انگیز روح ماست وقتی به یاد منزلگه راستین و گذشته‌های خوش می‌افتد.

از نظرگاه مولانا زندگی غیر اصیل، یعنی زندگی آمیخته با فراق، سرشار از دو حس قویست: تشویش و ملالت. دلیل‌اش ساده است: هنگامی که قطره روح انسان دیگر بخشی از آن دریا نباشد در معرض نیستی قرار می‌گیرد. یک قطره تنها در مقابل تابش آفتاب به طرفه‌العینی بخار و با وزش باد، در اندک لحظه‌ای خشک می‌شود.

مثنوی، شاهکار مولوی، با حکایت یک نی آغاز می‌شود. نی‌ای که تا حدی نماد روح آدمیست و نوای غم‌بار آن طنینِ دردیست پنهان، در دل هر انسانِ دورمانده از اصلِ خویش. مولانا وجه تراژید زیست آدمی در این جهان را «فراق» می‌داند. ما همه روزگاری جزیی از «دریای مستور امر الوحی» بوده‌ایم؛ اما اکنون قطره کوچک وجود ما دور از آن دریا در بیابانِ این جهانِ وهم‌آلود افتاده است. از نظر مولوی زندگی اصیل، آن است که متصل به امر الوحی باشد؛ از این رو زندگی ما تا زمانی که «جدا از اصل خویش» است، اصیل نیست.

نوای نی به طرز شورانگیزی غم‌بار است. چون از «جدایی‌ها شکایت می‌کند» و شورانگیز است، چون شرح اشتیاق عمیق به وصال





جا نیست." پس از سالی فراق، عاشق بازمی‌گردد و با ترس و لرز در خانه معشوق را می‌کوبد. معشوق می‌پرسد: "کیست که در می‌زند؟" عاشق این‌بار می‌گوید: تو! "گفت بر در هم تویی ای دل‌ستان." و این‌جاست که معشوق در را می‌گشاید و می‌گوید: "دو «من» در این سرا نمی‌گنجد. حال که تو، من شده‌ای و از آن «منِ تو» چیزی نمانده، می‌توانی بیایی." پیام مولانا روشن است: اگر خواهان وصال معشوق هستی، باید از «خود»ات رها شوی.

این «خود»، برای مولوی همان وجود از خدا جدا شده آدمیست و دو ویژگی مهم دارد: نخست آن که این «خود» از منظر اخلاقی منشأ خودخواهی و خودپرستی‌ست.

شخصی که وجودش پیرامون خودش می‌تند تنها به دنبال منفعت شخصی‌ست و کمتر بهایی برای دیگران قائل است. ویژگی دوم و مهم‌تر این که این «خود» خودش را در مقابل «دیگران» تعریف می‌کند. بنابراین «خود» از جنس مرز است؛ حدی‌ست که خویش‌تن را از وجودهای دیگر تمیز می‌دهد.

حد و مرز، دوری و فاصله می‌آفریند و آیینها «خود» را از مرتبه وحدت به مرتبه فراق تنزل می‌دهند. به همین دلیل است که مولوی این «خود» را اُمّ الخبائث می‌نامد و آن را منشأ اصلی تشویش و ملالت می‌شمارد.

پس چگونه می‌توان این «خود» خودخواه محدود کننده را درمان کرد؟ روح ما چطور می‌تواند شکوفا شود؟ یا به بیان دقیق‌تر، چگونه می‌توان حد و مرز «خود» را تغییر داد؟ خوب است اشاره شود به طور کلی تغییر حدود و مرزهای «خود» یکی از اهداف دین‌ورزی‌ست؛ به عنوان مثال در ودانتای هندی هدف دین‌ورزی فراخ کردن «خویش‌تن خویش» آدمیست تا آن‌جایی که تمام موجودات را در بر بگیرد، در آیین بودا هدف محو کردن این خود است و در ادیان الهی هدف یکی شدن با امر الوحی‌ست.

از دیدگاه مولوی تنها راه چنین تغییر و تبدیلی، راه عشق است. مولوی عشق را "طبیعت جمله علت‌های ما" می‌نامد و مهم‌تر از آن،

زندگی فراق‌آمیز هم، همواره در آستانه نابودیست و همین تهدید همیشگی منشأ تشویش آدمیست. از سوی دیگر حکایت زندگی آمیخته با فراق آدمی، به تعبیر مولانا، مانند حکایت شاهزاده‌ایست که به زندگی در قصری فراخ عادت داشته و اکنون محکوم به زندگی در زندانی کوچک و بسیار تاریک است که حتی پنجره‌ای هم ندارد.

او زمانی که در قصر می‌زیسته همیشه چیز جدیدی برای کشف کردن داشته است: بی‌کرانگی آسمان، جلوه رنگ‌رنگ غروب و افق بی‌پایان دریا؛ دیگر چه جایی برای ملالت؟ اما اکنون که میان دیوارهای سرد و بی‌منظره محبوس شده، هیچ اتفاق تازه و روح‌بخشی رخ نمی‌دهد و این‌گونه است که او عمیقاً ملول می‌شود.

قطره تا هنگامی که با دریا بود، نامحدود و بی‌کرانه بود، اما اکنون که جدا افتاده، در فردیت محدود خودش اسیر شده است. منشأ ملالت «متناهی بودن» است، محصور شدن در کران‌های گریزناپذیر.

از نظر مولوی آدمی برای غلبه حقیقی بر درد تشویش و ملالت در زندگی‌اش تنها یک راه دارد: رسیدن به زندگی اصیل، پیدا کردن راهی به سوی آن منزل ازلی و دوباره به دریا پیوستن؛ چنین سفریست که آرامش و شادی حقیقی را برای روح ما به ارمغان می‌آورد. اما کدامین راه به سوی آن دریا می‌رود؟

روح آدمی چگونه می‌تواند روزگار وصل خویش را بازجوید؟ مولوی اعتقاد دارد تا هنگامی که مهم‌ترین مانع چنین بازگشتی را نشناخته‌ایم نمی‌توانیم به این سوال پاسخ دهیم. اما به راستی چیست که از اتحاد دوباره ما با آن دریا و غلبه بر فراق جلوگیری می‌کند؟ پاسخ مولانا ساده و روشن است: مانع، «خود» آدمیست، «خویش‌تن» آدمی.

مولوی برای ما داستان عاشقی را تعریف می‌کند که به سراغ معشوقش می‌رود و در خانه‌ی محبوبش را می‌کوبد. معشوق از پشت در می‌پرسد که چه کسی پشت در است؟ عاشق جواب می‌دهد: "من". معشوق با ناامیدی چنین می‌گوید: "دور شو."

هنوز زمان مناسب نرسیده است. این‌جا برای چنین شخص خامی



«عشق» را علاج خودبینی و تکبر، که در نگاه او منشأ تمام بدی‌ها هستند، می‌داند. او قویاً ما را به عاشق شدن ترغیب می‌کند:

عمر که بی‌عشق رفت، هیچ حسابش مگیر
آبِ حیات است عشق، در دل و جان‌ش پریر

اما چرا عشق «طبيب جمله علت‌های ما» است؟ از نظر مولانا قدرت جادویی عشق، توانایی آن در تغییر حدود و مرزهای «خود» است. از دیدگاه او گوهر عشق «قربانی شدن» و جان‌بازی‌ست.

عاشق حقیقی کسیست که پای‌کوبان جان بر معشوق می‌افشاند. انسان به محض آن که عشق را تجربه کند شیوه زیستن‌اش به کلی دگرگون می‌شود. آدمی قبل از این که عاشق شود، دانسته یا نادانسته، خودش را مرکز جهان می‌پندارد، اما به محض این که عاشق می‌شود ساختار «خود»‌اش متحول می‌شود.

برای تشکیل پیوند عشق، باید در مقابل دیگری گشاده بود و در صورت لزوم خود را برای محبوب فدا نمود. و همین گشایش و گشودگی مرزهای «خود» آدمی را دگرگون می‌کند و مرکز وجود آدمی را از «خود» به «معشوق» تغییر می‌دهد. مولوی گاهی اوقات این تغییر را «مرگ پیش از مرگ» یا «مرگ در نور» می‌نامد. از راه عشق است که انسان مجال گسستن از خود و پیوستن به معشوق را می‌یابد.

بیش‌تر عرفای مسلمان، از جمله مولوی، عشق زمینی را پلی به سوی عشق الهی دانسته‌اند. از دیدگاه اینان تجربه یک عشق زمینی واقعی روح آدمی را آماده جهش‌های بلندتر و عشق‌ورزی مستقیم به خداوند می‌کند. با این حال مولانا گاهی اوقات از تمثیل دیگری استفاده می‌کند که فهم متفاوت او از رابطه عشق زمینی و عشق الهی را نشان می‌دهد. مولوی مدعی‌ست آدمی برای ادراک روح جهان، که همانا خداوند است، به دو آینه نیاز دارد: قلب خویش و قلب معشوق خویش. عاشق آینه خود را در برابر آینه معشوق قرار می‌دهد و به محض برقراری پیوند عشق این دو آینه یکدیگر را تا بی‌نهایت باز می‌تابانند. بی‌نهایت، در فضای میان دو آینه جلوه می‌کند.

تفاوت تمثیل آینه و تمثیل پل مهم است: آدمی هنگامی که از پل می‌گذرد و به سوی دیگر قدم می‌گذارد دیگر نیازی به پل ندارد؛ اما، مشاهده امر بی‌نهایت کاملاً به حضور هر دو آینه وابسته است. به بیان دیگر در تمثیل پل، عشق زمینی تنها ارزش وسیله‌ای دارد و هنگامی که آدمی به خدا رسید، معشوق به کلی بی‌اهمیت می‌شود؛ اما در تمثیل آینه، عشق زمینی ذاتاً ارزش‌مند است، چرا که امر قدسی تنها از دریچه وجود معشوق قابل درک است. خداوند در فضای میان دو انسان جلوه می‌کند و همان‌طور که بسیاری از عرفای مسلمان ادعا کرده‌اند: راه رسیدن به خدا از گذرگاه شفقت بر خلق می‌گذرد.

از این رو، عشق، نه تنها آموزگار بزرگ نوع‌دوستی و دیگر‌دوستی است، بلکه مرزهای «خود» آدمی را جابجا می‌کند و به او فرصت منحصر به فردی برای تجربه امر قدسی از دریچه وجود معشوق اعطا می‌کند.

به همین دلیل است که مولوی از ما دعوت می‌کند خودمان را وقف «عشق ورزیدن نسبت به خدا (ج)» کنیم. برای مولانا «عشق» به معنای نفی دین نیست، بلکه مرتبه بالاتری از معنویت است. دین اسلام مرکز جهان معنویت است و رستگاری تنها از راه اسلام امکان‌پذیر است. ایده عشق ورزیدن به خدا عمیقاً ریشه در تجربه شخصی مولوی از عشق دارد. خصوصاً بعد از ملاقات با شمس، این ایده عمیق‌تر شد، تجربه شخصی مولانا از عشق نقطه عطفی در خداشناسی او بود، زیرا خداوند (ج) مرکز جهان معنویت است، به همین دلیل است که مولانا خودش را پیرو مذهب عشق می‌نامد:

دین من از عشق زنده بودن است
زندگی زین جان و تن ننگ من است
ملت عشق از همه دین‌ها جداست
عاشقان را ملت و مذهب خداست



نفسستان

ویژه شعر و ادب

دور از رخت سرای درد است خانه ی من
خورشید من کجایی سرد است خانه ی من
دیدم تو را ز شادی از آسمان گذشتم
جانان من چو گشتی دیگر ز جان گذشتم
آخر خودت گواهی: من از جهان گذشتم
بی تو کنون سرای درد است خانه ی من
خورشیدی من کجایی
سرد است خانه ی من

من دردمند عشقم درمان من تویی، تو
من پای بند صدقم، پیمان من تویی، تو
امید من تویی، تو، ایمان من تویی، تو
دور از رخت سرای سرد است خانه ی من
خورشید من کجایی
سرد است خانه من

غیر از تو من به دنیا یار دیگر ندارم
جز از خیال عشقت فکری به سر ندارم
سر می دهم ولیکن دست از تو بر ندارم
دور از رخت سرای سرد است خانه ی من
خورشیدی من کجایی
سرد است خانه من

لاهوته

شب ی یاد دارم که چشمم نخفت
شنیدم که پروانه با شمع گفت
که من عاشقم، گر بسوزم رواست
تو را گریه و سوز و زاری چراست
بگفت ای هوادار مسکین من
برفت انگبین، یار شیرین من
چو شیرینی از من به در می رود
چو فرهادم آتش به سر می رود
همی گفت و هر لحظه سیلاب درد
فرو می دودش به رخسار زرد
که ای مدعی، عشق کار تو نیست
که نه صبر داری، نه یارای ایست
تو بگریزی از پیش یک شعله خام
من استاده ام تا بسوزم تمام
تو را آتش عشق اگر پر بسوخت
مرا بین که از پای تا سر بسوخت



گر طمع داری از آن جام مرصع می لعل
ای بسا در که به نوک مژگات باید سفت
تا ابد بوی محبت به مشامش نرسد
هر که خاک در میخانه به رخساره نرفت
در گلستان ارم دوش چو از لطف هوا
زلف سنبل به نسیم سحری می آشفست
گفتم ای مسند جم جام جهان بینت کو
گفت افسوس که آن دولت بیدار بخفت
سخن عشق نه آن است که آید به زبان
ساقیا می ده و کوتاه کن این گفت و شنفت
اشک حافظ خرد و صبر به دریا انداخت
چه کند سوز غم عشق نیارست نهفت

حافظ

چون است حال بستان ای باد نوبهاری
کز بلبلان برآمد فریاد بی قرار
ای گنج نوش دارو، بر خستگان نگه کن
مرهم به دست و ما را مجروح می گذاری؟
هر ساعت از لطافت، رویت عرق بر آرد
چون بر شکوفه و گل، باران نو بهاری

سعدی

بیا بیا که نسیم بهار می گذرد
بیا که گل ز رخت شرمسار می گذرد
بیا که وقت بهار است و موسم شادی
مدار منتظرم، وقت کار می گذرد
ز راه لطف، به صحرا خرام یک نفسی
که عیش تازه کنم، چون بهار می گذرد
عراقی

همه شب در این گفتگو بود شمع
به دیدار او وقت اصحاب، جمع

نرفته ز شب همچنان بهره ای
که ناگه بکشتش پریچهره ای

همی گفت و می رفت دودش به سر
همین بود پایان عشق ای پسر

ره این است اگر خواهی آموختن
به کشتن، فرج یابی از سوختن

مکن گریه بر گور مقتول دوست
قل الحمد لله که مقبول اوست

اگر عاشقی سر مشوی از مرض
چو سعدی فرو شوی دست از غرض

فدایی ندارد ز مقصود چنگ
اگر بر سرش تیر بارند و سنگ

به دریا مرو گفتمت زینهار
وگر می روی تن به طوفان سپار

شیخ سعدی

صبحدم مرغ چمن با گل نوحاسته گفت
ناز کم کن که در این باغ بسی چون تو شکفت
گل بخندید که از راست نرنجیم ولی
هیچ عاشق سخن سخت به معشوق نگفت



جمله های طلایی

گردآورنده : مرسل

قسمت هجدهم

گاهی یک جمله می تواند انسان را دگرگون سازد.

باور ندارید؟ امتحان کنید.

به قول شمس تبریزی:

کسی یک سخن شنید و در همه عمر،

از آن سوخت

جان من فدای او باد!

- آن کس که شهامت انجام کارهای شایسته دارد، انسان است. (ویلیام شکسپیر)
- آدمی به سیرت است نه به صورت، انسانیت به کمال است نه به جمال (جان اشتانبک)
- اگر می خواهی خوش بخت باشی برای خوشبختی دیگران بکوش. (بتهوفن)
- صلح ناحق بهتر از جنگ حق است. (میکل آنژ)
- اگر بر ناتوان خشمگین شوی دلیل بر اینست که قوی نیستی. (ولتر)
- سخاوت در زیاد دادن نیست، در به موقع دادن است. (لابرویر)
- فقیر قانع بهتر از ثروتمند حریص است. (ویلیام شکسپیر)
- اگر عدالت از روی زمین محو شود، زندگی به زحمتش نمی ارزد. (امانوئل)
- با مصلحت دیگران ازدواج کردن، در جهنم زیستن است. (آرتور شوپنهاور)
- دوستی مثل اسناد کهنه است، قدمت تاریخش آن را باارزش می کند. (یوهان ولفگانگ گوته)
- آخرین درجه فساد، به کار گرفتن قوانین برای ستم کاری است. (ولتر)
- دوستانی که نتوانند از گناهان کوچک یکدیگر چشم پوشی کنند، نخواهند توانست دوستی خود را به جایی برسانند. (لابرویر)
- در دنیا تنها کسی موفق می شود که به انتظار دیگران ننشیند و همه چیز را از خود بخواهد. (شیلر)
- اندیشه و تخیل انسان را به سوی کمال می برد. (ناشناس)
- جنگ، آفریده ی ذهن انسان است. ذهن انسان می تواند آرامش را بیافریند. (نورمن کازنر)
- به خلایق کارپردی، به جای اطاعت کورکورانه پادشاه دهید. (ناشناس)
- تجربه بالاتر از علم است. (ابن سینا)
- اراده های ضعیف همواره به صورت حرف و گفتار خودنمایی می کنند، لیکن اراده های قوی جز در لباس عمل و کردار ظهور نمی یابند



(گوستاولوبون)

- بدترین غمها شک و تردید است. (الکساندر دوما)
- عاقل ترین فرد کسی است که قدر زمان را می داند. (گوته)
- اگر هر نسلی با عشق و احترام نسبت به کودکان رفتار کند، به آنها آزادی بدهد تا رشد کنند، امکان ندارد شکاف بین نسلی ایجاد شود. (اشو)

- شکست، تنها زمانی رخ می دهد که تلاشی در کار نباشد. (ای.هابارد)
- زن اختراعات بزرگ نکرده ولی مخترعان بزرگی را در دامن خود پرورش داده است. (ادیسون)
- بهترین چراغ زنده گی نور امید است. اگر کسی امید نداشته باشد زنده گی برای او ارزش ندارد. (شکسپیر)
- هر چه به دل هست ز پاک و پلید - در سخن آید اثر آن پدید. (جامی)
- تعصب چشم های بینا را نابینا و گوشهای شنوا را ناشنوا می سازد. (ابوریحان بیرونی)
- کسی که در نبرد زندگی می خندد، قابل ستایش است. (برنارد شاو)
- اگر زندگی را آسان بگیري، عمرت به خوشی خواهد گذشت. (عزیز نسین)
- ما همیشه، خوشبختی را در محیط بیرون جستجو می کنیم، در حالی که خوشبختی، فقط در وجود خود ما یافت می شود. (فیثاغورث)
- آن روزی که در آن، یک بار نخندیده ای، کاملاً بر باد رفته است. (چمفورت)
- هر قدر می توانی شاد زندگی کن و هرگز فکر بیهوده به مغزت راه نده؛ چون سلامتی ات به خطر می افتد. (چارلز دیکنز)
- سعادت مند، کسی است که به مشکلات و سختی های زندگی لبخند بزند. (شکسپیر)
- خوش بخت ترین مردم، کسی است که خوش بختی را در خانه خود جستجو کند. (گوته)
- کسی که اراده استوار دارد، جهان را مطابق میل خود عوض می کند. (گوته)
- اگر نمی خواهی در حق تو داوری شود، درباره دیگران داوری نکن. (آبراهام لینکلن)
- درجه سعادت اشخاص بستگی به اراده و میل خود آنها دارد. (آبراهام لینکلن)
- با زور، برخی زمانها می شود به هدف رسید، ولی با مهربانی، همیشه. (آتور کافمن)
- کارنه فقط هزینه زندگی را تأمین می کند، بلکه زندگی کردن را هم به انسان می آموزد. (هنری فورد)
- شجاعت مانند عشق از امید تغذیه می کند. (بناپارت)
- کسی که کوچکترین قسمت رازی را فاش کند بقیه آنرا هم نمی تواند حفظ کند. (ریشتر)
- شاید در کوتاه مدت بدگویان به هدف خود نزدیک شوند اما در بلند مدت رسوای جهانند. (ارد بزرگ)
- مردانگی تنها به مرد بودن نیست؛ به همت و گذشت است. (هگل)
- مشکل دنیا این است که احمق ها کاملاً از خود یقین دارند و آنهایی که داناترند، سرشار از شک و تردیدند. (برتراند راسل)
- در میان دو نفر دشمنی میفکن، که ایشان چون صلح کنند تو در میانه شرمسار باشی. (سعدی)
- دیروز را فراموش کنی، امروز کار کنی، به فردا امیدوار باشی. (کانت)
- انسان های قانع و خالی از حرص و آز هرگز دربند نخواهند بود. (بودا)



زنان سخنور

عایشه درانی شاعر داغدیدۀ کشور

نجاتم ده زغم های زمانه - به لطف خویش ای شاه یگانه
چه گویم از فضای آسمانی - فتادم در محیط بی کرانه

سرانجام این مادر داغدیده روز پنجشنبه تاریخ ۲۶ رجب سال ۱۳۳۲ قمری درقریه اونچی چهار دهی کابل به دیار حق پیوست. گرچه تاریخ دقیق تولد این شاعرگرنامیه و مادر داغدیده معلوم نیست. مگردانشمندان عمر او را از ورای اشعارش حدود ۹۶ سال تخمین کرده اند. عایشه پس از شهادت پسر جوانش دیوان خویش را تکمیل نمود و به امر امیر عبدالرحمن خان در مطبعه سلطنتی به چاپ رسید. در حال حاضر یک مکتب دخترانه در کابل به نام او مسمی است.

نمونه اشعار عایشه درانی:

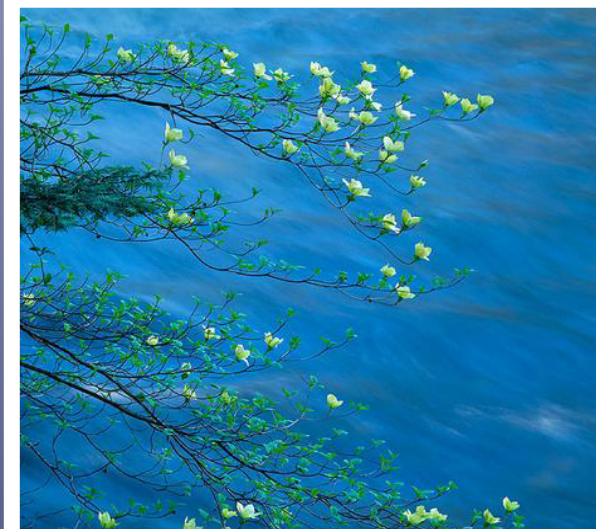
حالتی عجیب دارم خویش را نمیدانم
کیستم کجا بودم در تفکر حیرانم
که مست و مدهوشم که ز سر رود هوشم
که به بزم عاشقان که چو گل پریشانم
که چو صبح نورانی گاه چو شام ظلمانی
که به تخت سلطانی که فقیر و حیرانم
که روم به میخانه که روم به بت خانه
که روم سوی مسجد که به ذکر قرانم
که عشق میورزم که چو شمع میسوزم
که به مجلس رندان که چو ابر نیسانم
که شوم چو دیوانه که شوم چو فرزانه
که چو ابر گریانم که چو غنچه خندانم
که دلیل افلاطون گهی میشوم مجنون
که پی شفای خویش گاه به ترک درمانم
گاه روم سوی صحرا که نشسته ام تنها
که چون عاشق مجنون که به سلک زندانم
که به حیرت (عایشه) که به فکر و اندیشه
که زغم جگر ریشم که ز خود گریزانم

عایشه بنت یعقوب علی خان بارکزی شاعره بزرگ کشور در نیمه دوم قرن دوازدهم در شهر کابل به دنیا آمد. بعد از فراگیری دروس ابتدایی علوم صرف، نحو، معانی، بیان، تجوید و ادبیات را در محله یی که به نام (توپچی ها) شهرت داشت فرا گرفت. عایشه درس هجده سالگی با عبدالصمد خان درانی ازدواج کرد و به عمر بیست سالگی شروع به سرودن شعر نمود. طوریکه روایت شده است اولین شعر خود را در حضور تیمور شاه درانی در تعریف افق گلفام گفته است. تیمور شاه از قریحه شعری او حمایت نمود. انعام و بخشش های زیادی به او تقدیم کرد و مقام بلندی برای او اعطا نمود.

شفق را لاله گون دیدم نماز شام در گردون

مگر خورشید را کشته که دارد دامن پر خون

از بخش اول دیوان خطی عایشه درانی به خوبی محسوس می گردد که وی از حیات خود خشنود بوده و رضایت کامل داشته، اما روزگار ضربه



سختی بر او نواخته و تمام خوشی های او را سلب کرده است. زیرا فرزند دلیندش «فیض طلب» در دوره دوم پادشاهی محمود خان سدوزی در سال ۱۲۲۷ قمری در جنگ کشمیر به عمر ۲۵ سالگی کشته شد. مرگ پسر جوانش عایشه را گوشه نشین کرد و تا ختم حیات، اشعار فراوان در سوگ فرزندش سرود.



حکایات

و تا ظهر برای حل آن با هم گفتگو کردند اما باز هم اختلاف، سر جایش ماند.

هر دو بازرگان از دست هم خشمگین شدند و با سر و صدا تا غروب آفتاب با هم در گیر بودند. سر انجام بازرگان اولی خسته شد و گفت: بسیار خوب! تو درست می گویی! یک روز وقت ما به خاطر نیم دینار به هدر رفت.

سپس یک و نیم دینار به بازرگان دوم داد. بازرگان دوم پول را گرفت و به سمت خانه اش به راه افتاد.

شاگرد بازرگان اولی پشت سر بازرگان دوم دوید و خودش را به او رساند و گفت: آقا انعام من چی شد؟ بازرگان، پنج دینار به شاگرد همکارش انعام داد. شاگرد پنج دینار انعام بازرگان دومی را به اربابش نشان داد.

آن مرد خیلی تعجب کرد و در پی همکارش دوید و وقتی به او رسید با حیرت از او پرسید: آخر تو که به خاطر نیم دینار این همه بحث و سر و صدا کردی، چگونه به شاگرد من انعام دادی؟! بازرگان دومی پاسخ داد: تعجب نکن دوست من، اگر کسی در وقت معامله نیم دینار زیان کند در واقع به اندازه نیمی از عمرش زیان کرده است چون شرط تجارت و بازرگانی حکم می کند که هیچ مبلغی را نباید نادیده گرفت و همه چیز را باید به حساب آورد، اما اگر کسی در موقع بخشش و کمک به دیگران گرفتار بی انصافی و مال پرستی شود و از کمک کردن خود داری کند نشان داده که خسیس است.

پس من نه می خواهم به اندازه نیمی از عمرم زیان کنم و نه حاضرم خسیس باشم.

جوانمردی از بیابانی می گذشت، از مسافتی دور فردی را دید نقش بر زمین و خواهان کمک. با سرعت تمام به سوی او شتافت. مسافری بود تشنه و گرسنه، در حال جان کندن. از اسب پایین آمد، مشک آب را بر لب های خشکیده او گذاشت. آنقدر آبش داد تا سیراب شد.

مسافر جانی دوباره گرفت و رمقی تازه پیدا کرد. اما به جای آن که شکوفه های مهر و عاطفه را تقدیم منجی خویش کند، تیغ بر او کشید و تا می توانست از نامردی و قساوت دریغ نکرد.

آنگاه پیکر مجروح و زخم خورده او را در آن بیابان برهوت رها کرد، سوار اسب او شد که برود... جوانمرد که هنوز نیمه جانی در بدنش بود، با اشاره او را صدا کرد و گفت: از کاری که کردی در هیچ مجلسی سخن مگو! مرد از سر شگفتی علت این امر را جویا شد.

او پاسخ دادو گفت: تو اکنون یک جوانمرد را کشتی. اما اگر بیان این موضوع نقل مجالس شود، فتوت و جوانمردی کشته خواهد شد. آنگاه هیچ مرد رشیدی را نخواهی یافت که در بیابان دست افتاده ای را بگیرد.

روزی دو بازرگان حساب های خویش را تصفیه می کردند. در پایان، یکی از آن دو به دیگری گفت: طبق حسابی که کردیم من یک دینار از شما باقی هستم.

بازرگان دیگر گفت: اشتباه می کنی! تو یک و نیم دینار از من باقی هستی؟ آن دو بر سر نیم دینار با هم اختلاف پیدا کردند



واژه های جهانگرد

جهیل گران

همانطور که زیبایی طبیعی معلول رنگ ها و تنوع است، بدون شک این واقعیت در جوامع انسانی هم قابل تعمیم و مثال است.

مردم افغانستان، متشکل از اقوام، زبانها و فرهنگ های مختلف از دیر زمانی چه به نام خراسان بزرگ یا افغانستان فعلی با رسم و عینات متنوع باهم زنده گی کرده اند و این مسأله زیبایی و غنای فرهنگی و هنر این مردم را دوچندان نموده است.

ارتباط ها و تعاملات فکری، هنری، اقتصادی و فرهنگی میان اقوام افغانستان، سبب در هم تنیده گی زبانی و فرهنگی میان اقوام این سرزمین شده است.

براین مینا اگر گاهی از تداخل واژه ی از زبانی در زبانی دیگر سخن گفته می شود؛ هیچ گاهی دلیل برفقرو کاستی یک زبان نیست که این کار لازمه زنده گی اجتماعی است.

سخن گفتن از تاثیر گذاری و تاثیر پذیری درهمه شئون زنده گی اجتماعی انسان ها نه تنها یک امر معمول و رایج است بلکه باعث آراستگی و غنای فرهنگی نیز در جامعه خواهد شد.

نشان دادن کژی ها و راست کردن آن هیچ گاهی یک طرفه تصور شده نمی تواند، چون جامعه انسانی در یک ارتباط ارگانیکی و به هم پیوسته قرار دارد. از اصلاح کوچکترین نقطه، تمام زوایای زنده گی انسان ها متاثر خواهد شد.

زبان شناسان این سرزمین کمتر متوجه این مهم شده اند که چه علت هایی در کار بوده است که واژه ی متعلق به یک زبان

در زبان دیگر هم استفاده می شود ؟

شاعر معروف اوایل قرن بیستم الکساندر بلوک، در یکی از اشعارش چنین می نویسد: " من جهان را فراوان سیاحت نمودم سرانجام وقتی از سفر برگشتم، مرا نشناختند".

از سوی دیگر زنده گی اجتماعی انسان ها چه در جوامع قدیم و چه در جامعه جهانی امروز، موجب تأثیر زبان و فرهنگ آنان بر یکدیگر شده است. ورود الفاظ بیگانه در هر زبان یکی از نتایج این تأثیر گذاری است.

بنابراین در مورد واژه های جهانگرد ترکی، نیز می توان گفت که بسیاری از واژه های اصیل و ناب زبان ترکی از زمانهای قدیم به این سو در زبانهای مختلف جهان استفاده شده است؛ به گونه که امروزه این واژه گان مسافر جزء فرهنگ گفتاری و نوشتاری آن مردم شده است.

از آنجایی که زبان هر قبیله همچون فرهنگ و آیین شان معرف روش زنده گی و شاخصه های فکری آنان است، از آنجایی که هر واژه ی بار معنایی مخصوص به خود را در رابطه با فرهنگ و آیین همان مردم دارد؛ با اندک دقتی وجود این گونه الفاظ و واژه گان در حوزه زبان و فرهنگ بیگانه، به روشنی تمام احساس می شود.

چونکه علاوه بر تغییر شکل و صورت واژه گان، سیاق جملات و اراده مفهوم کلی از آن، نمی تواند مفهوم وضعی این واژه گان را افاده نماید، چنانکه گویا متکلم چیزی می خواهد و آن چیزی دیگر.



چنین است که وقتی اینگونه واژه ها در وطن خویش برمی گردد تا مدتی زیادی با خانواده خود احساس بیگانگی می کند چون ذایقه و لحن دیگری پیدا کرده است، اما طبق قاعده کلی جهان:

هرکسی کو دورماند از اصل خویش

بازجوید روزگار وصل خویش

برای ارائه نمونه از ورود واژه گان ترکی به زبان دری می توان چنین اشاره کرد: اتاق، آسمان، توشک یا دوشک، قروت، قالین، بیرق و غیره که دراصل واژه های ناب ترکی اند و فعلاً هویت زبان دری یا فارسی را به خود گرفته اند که اگر از نگاه زبان شناسی وایتمالوژی بررسی و واکاوی شود ترکی بودن آنان روشن خواهد شد.

- اتاق از کلمه "اوتراق" یعنی نشیمن و جای نشستنی .

- آسمان از کلمه "آسمه" یعنی آویزان و معلق.

- توشک یا دوشک از کلمه "توشه یادوشه" یعنی هموارو پهن .

- قروت از کلمه "قوروق" یعنی خشک وسخت.

- قالین از کلمه "قلین" یعنی زخیم وکلفت.

- بیرق از کلمه "بیلناق" یعنی نشانه، گرفته شده است.

اگر بخواهیم تعداد زیادی ازین دست واژه ها را شناسایی نماییم، یقیناً مجال دیگری می خواهد.

اما می توان به صورت اجمال واژه های ذیل را نامبرد که دراصل ترکی اند اما به مرور زمان در اثر ارتباط های فرهنگی با تغییر شکل وفرم در زبان دری - فارسی استفاده می گردند. آقا، خانم، اوتو (هتو)، قیچی، برابر، یکه، هی (هی کردن)، قاجاق، قاشق، بشقاب، آش، باب، قابلی، قشلاق و بیلاق.

- برعلاوه نمونه های فوق به کلماتی نظیر: آماج، کنکاش، تمبر، گزمه، قراول و اردو نیز می توان اشاره داشت که از گذشته های دور تا حال به مثابه واژه گان دری استفاده شده اند که اگر به ساختار اصلی و اولی آن ها توجه شود به روشنی تمام ترکی بودنشان را در خواهیم یافت.

مانند آماج "اماچ"، کنکاش "کنگش"، تمبر "تمغه"، گزمه "گیزمه"، قراول "قاراول"، اردو "اوردو" که صرفاً با تغییر شکل در زبان دری استعمال شده اند.

- در زبان پشتو نیز واژه های زبان ترکی وجود دارند که به ساده گی، نظر به آهنگ وافاده مفهوم، در ترکی بودنشان جای هیچ گونه شک وتردید وجود ندارد مانند: جرگه (جرغه)، ولس (اولوس)، لوی (اولوی)، تکل (تک ایل)، خان (خن)، انا (آنه)، خیل (ایل)، کوچی (کوچو- کوچماق) که هریک فقط با اندکی تغییر شکلی در زبان پشتو وارد شده اند.

به گونه ی که اهالی ادب و زبان شناسان به محض شنیدن آوای این گونه واژه گان دریک عبارت پشتو، بیگانگی آنان را با مجموع عبارت احساس خواهند کرد؛ با اینکه از لحاظ مفهومی شاید مشکل چندانی نداشته باشد اما سبک وسیاق یک عبارت پشتو هیچ گونه هم خوانی وهم صدایی با اینگونه واژه گان ندارد. این درحالیست که در ابتدای نظر درحوالی زبان وادبیات برای نگارنده روشن شده است.

- اگر زبانشناس ها به منظور شناسایی وتحقیقات بیشتر وارد این عرصه شوند، قطعاً واژه گان زیادی را خواهند یافت که از زبان ترکی به دیگر زبانهای مثل دری، پشتو وسایر زبانها راه یافته اند و تا حال با حفظ مفاهیم ومعانی خود در زبان های بیگانه استفاده می گردد.



اوزبیک قلم کشری

عزیزالله ارال

جوهری، شاعر - عالم

ینچی یېل - ده شبرغان شهريده دنيآگه کېلگن. او مکتب و مدرسه - لږده تحصیل آلیب عالم و بیلیم دان بولیب یېتېشگن.

عبدالرشید جوهری شاعر بولیش ییلن بیرگه دینی عالم هم دیر. شو باعث او خلق آره - سیده مولی جوهری نامی ییلن شهرت قازانگن. ۱۹۷۸ - ینچی ییلی افغانستان - ده صادر بولگن توتیریش دن آلدین جوهری شبرغان نینگ جامع مسجدی ده مدرس و خطیب امام بولیب وظیفه بجرگن. توتیریش - دن کیپن ایسه، امام - لیک وظیفه - سیدن قؤل تارتیب گوشه - نشینلیک اختیار قیلگن.

جوهری جوزجان ولایتی اهالی سی نینگ سابق شوروی گه تئینگن کابل حکومتی گه قرشی باشلنگن کورش ییلن بیرگه جنگ گه آتلنه - دی. او اوشه یېل - لږ دوامیده اؤزی نینگ علمی - ادبی فعالیت - لری ییلن مذکور جنگ گه کتته حصه قوشه - دی و مجاهدلر صفی نی مستحکم توتیب، جنگ - لری نی روحاً اذوقه - لیتیریب کېلدی. جوهری دوللسانین شاعر. او ایکیکی تیل ده - تورکی یعنی اؤزبیک همده فارس تیلی ده شعر یازگن. جوهری کتاب خوان - لږگه ۱۲ ته دن آرتیق اثر هدیه قېلگن. او انقلابی شاعر شعر یازیشده کلاسیک شاعرلردن پیرولیک قېلگن. جوهری نینگ "آواره - لیک بهاری" مسدسی یعنی آله مصرع - دن عبارت بولگن شعری انه شونده - ی روح گه ابگه بولگن اثرلر جمله - سیدن دیر. جوهری بو شعری نی وطن دن یېراق ده بولگن پیئت - لریده ۱۹۸۹ - ییل - ده قاغازگه توشرگن. شعرده اوروش عاقبتی ده ویرانه گه ایلنگن یورت گه بهار کېلگن - لیگی تصویرلنگن. مولی

افغانستان ده تاریخاً یشب کېله - یاتگن یېرلی اؤزبیک - لر اساساً مملکت نینگ شمالی حدودلریگه جایلشگن لر. معلوماتلرگه کؤره، بخارا امیرلیگی حدودیده - گی ۹۷ اؤزبیک قبيله سی نینگ ۲۸ ته سی جنوبی ترکستان یعنی حاضرگی افغانستان نینگ شمالی قسمی ده یېرلشگن - لر. تدقیقات - چیلر بونده - ی اؤزبیک - لرنی میمنه و اونینگ اطرافی، سرپل، اندخوی، شبرغان، قطغن و اونینگ اطرافی، بدخشان، قندوز، تاشقرغان و ایبیک منطقه - لریده یشب کېلگن - لری نی قید قیله - دیلر. اوشبو اؤزبیک - لرنینگ اساسی قسمی دهقانچی - لیک و چارواچی - لیک ییلن شغللیب کېلگنینی آیته - دیلر.

اؤزبیکستان و اؤرتنه آسیانینگ باشقه جمهوریت - لردن تورلی دورلرده مهاجر بولیب قوشنی افغانستان - گه اؤتگن اؤزبیک - لر اساساً اندخوی، آقچه، مزارشریف، قندوز و کابل شهرلردن اؤزلریگه مکان توتگن حاضرگی کونده افغانستان نینگ یېرلی اؤزبیک - لری تاجکستان، اؤزبیکستان و ترکمنستان جمهوریت - لری ییلن چیگره - داش شمالی ولایت - لردن تقریباً اونته - سیده یشئیدیلر. بوندن تشقری افغانستان اؤزبیک - لرنی مملکت نینگ مرکزی، غربی، جنوبی و شرقی قسملریده هم اوچره - تیش ممکن.

شمالی ولایت - لردن جوزجان ده دنيآگه کېلگن زبردست قلم - کش - لردن یېری عبدالرشید جوهری نینگ ایجادی باشقه قطار معرفت پرورلر ایجادی سینگری پرورلیک روحی بلن یوغریلگن. جوهر تخلصی ییلن مشهور عبدالحمید اؤغلی عبدالرشید (۱۳۱۲ - ش)



عبدالرشید جوهری طالبلر حاکمیتی دوریده قیناقلر آستیده حیات دن کۆز یومه-دی. قاغاز گه توشیریش گه اونگورمگن یوره-ک سۆزلری نی اؤزی بیلن بیرگه آلیب کیتده دی.

ای وطن ینگى بهار ینگ فصلیده بۆلدینگ خزان

گلشنینگ گلخن بۆلیبان قاچتی بلبل هر تمان

کوزده یاشیم موج اورر آتینگنی توتسم هر زمان

کېچه- کوندوز بۆلدى کاریم ناله و آه و فغان

فرقتینگده زاریغلاب تاب و طاقت قالمدی

بۆلدیم آواره بوگون دلده فراغت قالمدی

ای وطداش لر وطن گه اعتباریم بار ابدی

گلشن و باغ و گلستان و بهاریم یار ابدی

یشنه گن دشت و بیابان لاله زاریم بار ابدی

روضه جنت کبی طرفه دیاریم بار ابدی

کۆز یاشیم دریا بۆلوب آقتدی وطندن اُبریلب

بلبل آواره من، سیندی قناتیم قئیریلب

ای وطن محروم قیلدیلر بهارینگدین سېنى

بی نصیب اۆلدوم بوتونلئی برچه بارینگدین سېنى

کۆز گه ایلئی توتیا گرد غبارینگدین سېنى

بهره آلمدیم بوکون باغ بهار ینگدین سېنى

اولکه نی یېر بیرله یکسان قیلدی جلاد روس لر

قتل عام ایلدی ایلنی بی حیا جاسوس لر

ای وطن مېندین سېنینگ دشت دیارینگه سلام

اول خزان اؤرگن گلستان و بهارینگه سلام

قیقیزیل قانگه بوینلگن لاله زار ینگه سلام

شیر نردیک اول مجاهد ارسلانینگه سلام

ای مجاهد اولکه داشلر "جوهری" دن مینگ سلام

چین کورش بیرلن وطن آزاد بۇلغنی والسلام

ادامه دارد...



معاورۀ اوزبکی (۷)

عزیزالله ارال

پول المشتیریش

Money exchange

مبادلهٔ اسعار

پول المشتیریش شاخاچه سی قه - یبرده؟	Where is the foreign exchange counter?	بخش مبادلهٔ اسعار خارجی کجا است؟
مبن پولیم نی المشتیرماقچیمن	I would like to exchange my money	میخواهم پول خود را تبدیل (مبادله) نمایم
مبن المشتیریش نرخ نی بیلمه یمن	I don't know what the exchange rate is	قیمت مبادلهٔ را نمیدانم
بوگونگی المشتیریش نرخ قنچه؟	What is the exchange rate today?	قیمت مبادلهٔ امروز چند است؟
دالرنی المشتیریش نرخ قنچه؟	What is the exchange rate for the US Dollar?	قیمت مبادلهٔ دالر امریکایی چند است؟
سبز نهچه پول المشتیرماقچی سیز؟	How much would you like to change?	شما چقدر پول میخواهید تبدیل کنید؟
المشتیریش بویچه بیر امریکا دالری ابللیک افغانی گه تۇغری کبله دی	The rate of exchange \$1 USD is 50 AF	قیمت مبادلهٔ یک دالر امریکایی معادل ۵۰ افغانی است
بانک	Bank	بانک
قاغز پول (بانک نوت)	Bill	بانک نوت
بانک فایزی	Bank-rate	فیصدی بانک
نقد	Cash	نقد



صندوق دار بانک	Cashier	خزینہ دار
چک	Cheque	چیک
کارمند بانک	Clerk	بانک خدمتچی سی
محاسب	Counter	حسابچی
فیصدی	Percent	فایز (یوزده)
سهام	Stock	حصه، ذخیره
نرخ، قیمت	Value	بها

مهمانخانه ده

At a Hotel

در هتل

من اتاق یک نفره (دو نفره) فرمایش داده بودم	I reserved a single (a double) room	مبن بیر کیشی لیک (ایکی کیشی لیک) اتاق بویورگن ابدیم
من برای دوروز یک اتاق یک - نفره می خواهم	I'd like a room with a Single bed for 2 days	مبن گه ایکی کون گه بیر کیشی لیک اتاق کبره ک
شما اتاق مجلل دارید؟	Do you any available suites?	سیزده لوکس اتاق بارمی؟
کرایه روزانه (هفته وار) اتاق چند است؟	What's the rate per night (week)?	اتاق کونی گه (هفته سی گه) نپچه پول توره دی؟
اتاق تلویزیون (یخچال، کولر، شاور) دارد؟	Is there a TV (a refrigerator, an air conditioner, a shower) in the room?	اتاق ده تلویزیون (یخچال، حمام و ساویتگیچ) بارمی؟
این اتاق بسیار قیمت است	The room is too expensive	بو اتاق جوده هم قیمت
اتاق ارزان تر دارید؟	Do you have a less expensive room?	ارزان راق اتاقینگیز بارمی؟
من این اتاق را میگیرم	I'll take this room	مبن بو اتاق نی آله من



من برای دو هفته میباشم (اقامت میکنم)	I'll be staying for 2 weeks	من برای دو هفته میباشم (اقامت میکنم)
من برای یک روز میباشم	I'll be staying for one nights	من برای یک روز میباشم
من برای چندروز میباشم	I'll be staying a few nights	من برای چندروز میباشم
من تا روز یک شنبه میباشم	I'll be staying until Sunday	من تا روز یک شنبه میباشم
شماره اتاق من چند است؟	What's my room number?	شماره اتاق من چند است؟
برای تان چه خدمت کرده میتوانم؟	What can I do for you?	برای تان چه خدمت کرده میتوانم؟
می بخشید، نام شما چیست؟	Your name, please?	می بخشید، نام شما چیست؟
اینک، مکتوب شما !	Here is your letter	اینک، مکتوب شما !
ما برای شما اتاق فرمایش دادیم	We have made a reservation for you	ما برای شما اتاق فرمایش دادیم
لطفاً ، ثبت نام نمایید	Please register	لطفاً ، ثبت نام نمایید
فورم ورودی را خانه پری کنید	Fill in the arrival card	فورم ورودی را خانه پری کنید
لطفاً، اینجا امضا کنید	Please sign here	لطفاً، اینجا امضا کنید
شماره اتاق شما ۲۲۷ است	Your room number is 227	شماره اتاق شما ۲۲۷ است
اتاق در منزل دوم است	The room is on the second floor	اتاق در منزل دوم است

ادامه دارد...



banking, but their concepts are conveying the same message. In a simple word, Islamic banking is a banking system based on Sharia'h principle and free of Interest (riba). The fundamental principle of Islamic banking originates in the maxim of trust, justice and harmony.

Despite being a new concept in the financial world, Islamic banking has been expanded over the past three decades as a new phenomenon around the globe. At present, besides the full Islamic system, there are more than 1100 Islamic Financial Institutions all over the world. Most of these institutions were established in countries such as Jordan, Bahrain, Qatar, Egypt, Bangladesh, Pakistan, Turkey, Senegal, Kuwait, Jordan, etc. Most of them performed well and have been able to compete with the traditional system and acquire a remarkable share in the national market. The operation of Islamic banks have not been confined to the Islamic countries, relatively there are Islamic banks and investment companies operating in the West such as in Switzerland, Denmark, England, etc. Meanwhile the world's largest banks such as Citibank, HSBC have started Islamic banking window.

Q: What is the status of Islamic

Banking in Afghanistan?

Ans: Afghanistan is a Muslim country, where more than 99% of its population is Muslim. The Muslim people of Afghanistan are very much religious and committed to the Islamic way of life, therefore they avoid deploying their fund in conventional banks due to the presence of Riba.

Islam encourages savings, and emphasizes in channeling the funds by investment in to productive activities which will pave the way for further employment, development and prosperity of the nation. However, Bank saving in Afghanistan is at its minimum level due to the people's commitment to the Islamic way of life. There is a huge demand for Islamic banking but only few banks are offering Islamic products. The execution of Islamic banking system in Afghanistan would further help the overall economic of the country, in particular the agricultural sector through Mudaraba, Musharka, Muzarah and Musawamah contracts.

Q: Practice of Islamic Banking by

Ghazanfar Bank

Ans: Ghazanfar bank started Islamic operation since April 2009, under window system. Within short span of time it could attract huge number of customers and pools of fund. At deposit side we are offering Alwadiha Current Account, Mudarabah saving Account and Mudarabah Fixed Deposit. We are extending finance facilities under Musharakah and Murabaha mode of financing to difference sectors. Ghazanfar Bank Islamic Banking Window is fulfilling its social responsibilities by taking an active part in country rehabilitation, create employment opportunities and via its Charity Waqf Account, sponsoring difference projects.

Musharakah is the most favorable mode of financing. Musharakah is a legitimate mode of financing based on equity participation. This contract could be carried on between two or more parties, where all parties contribute to capital investment and entitled to participate in the management of the business but not compulsory to do so. This contract is based on profit and loss sharing concept, where the earned profit would be distributed based on pre agreed ratio, while the loss would be borne by each partner based on their respective capital contribution.

The successes and prides of Islamic Banking window of Ghazanfar bank in this direction are the result of consistency with Sharia'h rulings, best attitude of Islamic Banking employees towards customers, transparency in all its transactions and implementing the Islamic banking principles in conformity with needs of the Afghan society.

By the blessing of Allah (s.w.t), the banking industry of Afghanistan has witnessed milestone achievements and struggling to implement the International standards within the industry. In the near future, the Islamic Banking will be implemented by all private conventional banks and optimistically in the near future the entire banking system of the country will be transformed to a full fledged Islamic Banking.

By placing our trust in Allah (s.w.t) we are confident of our success.



Interview with Professional Experts



my father reassigned to Bangladesh and I continued my studies with Noor-elm, School of Iran and graduated in 2001. I was interested to do my higher education in a modern and Islamic country and with the guidance of Malaysian Ambassador in Dhaka I got a palace in International Islamic University Malaysia .I got my Bachelor Degree (BBA) specialized in Finance in 2007 and MBA in Islamic Banking and Finance from Graduate School of Management, International Islamic University Malaysia.

From various fields

In the name of allah the most merciful the most compassionate

“The very objective of Sharia’h (Maqasid Shariah) is to promote the welfare of people which lies in the safeguarding their life, their intellect, their prosperity and their property. Whatever ensures the safeguard of these five, serves public interest and is desirable”. (Al- Ghzali)

Q: Please briefly introduce yourself

Ans: My name is Manezha Sukhanyar from Kabul Afghanistan. I was born in Kabul. My father is attached with Ministry of Foreign Affairs and My Mother is house wife. The starting point of my education journey was Totiya school in Kabul for the first two years , then my father was transferred to China and since then I left Afghanistan. I joined Iranian School in Beijing- China. After few years

I worked with the Embassy of the Islamic Republic of Afghanistan in Kuala Lumpur and UNHCR representative in Malaysia. I was a member of Student Representative Council in University, and actively I was involved with many programmes, seminars and conferences.

After the completion of my studies, I returned to Afghanistan in May 2011, and joined Ghazanfar Bank as Head of Islamic Banking Window since July 2011.

I am thankful to Allah (s.w.t) for providing me the opportunity to step in the excellent field of Islamic banking and I’m seeking his blessing and guidance to step strong and smooth in this way. I would like to thank my beloved parents for their support and never ending love and care.

Q: How would you define Islamic banking and what is its current status ?

Ans: There are many definitions for Islamic



not in itself reduce risk; only management action can achieve that. The control of operational risk is fundamentally concerned with good management, which involves a tenacious process of vigilance and continuous improvement. It is proved without doubt that the operational risk management improves the quality and stability of earnings, thereby enhancing the competitive position of the bank and facilitating its long term survival. "Today risk managers believe that about 30% of the risk a financial institution runs is due to operational losses" (Cruz, Marcelo 2003). Therefore it is essential and desirable to manage operational risk at the earliest opportunity. I believe from my past two years of experience in Afghanistan market 60% of risk financial institutions runs is due to Operational Risk, because of Macro Economics and Micro Economic factors as well as Political Risk and Country Risk, which again affects Credit and Market risk. The main sources of OP in accordance to Basel II are Internal Frauds, External Frauds, Employment Practices and Workplace Safety, Damage to Physical Assets, Delivery and Process Management and Business Disruption.

I would like to also discuss here Corporate Governance Risk which is a set of processes, policies, laws and procedures affecting the way an organization is directed, administered and controlled. Also under Basel II framework, the board of directors and senior management at each institution have an obligation to understand the risk profile of that institution and ensure that capital levels adequately reflect such risk. Basel II is fundamentally about better risk management anchored in sound corporate governance. I would like to focus now on three areas where I believe Basel II will contribute to more effective corporate governance. I will refer to these as the three C's: Controls, Culture and Clarity.

Controls:

The first "C" is controls. A bank can use the most sophisticated measurement tools in the world, but if it is poorly governed, it will be vulnerable to financial and operational weaknesses. This notion underlies the first pillar of the new framework.

Culture:

The second "C" is culture. I believe that the increased responsibilities of the board of directors and senior management under Basel II will foster a culture of improved risk management. This notion underlies the second pillar of the new framework.

Clarity:

The third "C" is clarity. I believe that Basel II will provide greater clarity regarding banks' measurement and management of risk. This will be achieved first of all through the third pillar – market discipline.

In conclusion after brief introduction of Risk Management I would like to conclude that financial risk management involves protecting a company against financial loss due to a variety of factors explained above. While this type of risk management only provides guidelines by which financial decisions should be made, it is still an important safeguard against loss.

Ahmed Siar Khoreishi

Chief Risk Officer

Ghazanfar Bank



risk it involves Credit History, Quality of man, Quality of loan, Quality of security, Quality of own investment, Quality of management, Quality of net worth, Quality of income, Quality of reputation and Quality of his character. The Quantitatively credit is usually assessed through credit scoring, this process entails getting information, such as Balance Sheet, Income Statements, Billing Statements, and the like. This procedure is well standardized and has a formula and such formula is applied to gather information and assigned a number known as a credit score. The bank will then decide whether or not to grant the loan, depending on the score obtained.

Market Risk

As with other types of risk management, in financial risk management there are a variety of different types of risks the risk managers must take into account and evaluate. Market risk, the exposure to financial loss because of the uncertain future value of stocks, is a key component of financial risk. This type of risk is managed by avoiding day-to-day losses on the stock market. Risk management procedures might impose a level of acceptable risk in investing to mitigate market risk. Market risk encompasses exposures associated with changes in Interest rates, Foreign exchange rates, Commodity prices, Equity prices. Afghanistan market mainly faces Interest rate risk, FX risk because of non operation or non existence of Capital Market. Interest rate risk is the potential that changes in interest rates may adversely affect the value of a financial instrument or portfolio, or the condition of the bank as a whole. The accepting of IRR is a significant source of profitability and shareholders' value as well, however excessive interest rate

risk can pose a significant threat to a bank's earnings and capital base.

Foreign exchange risk is the potential that movements in exchange rates may adversely affect the value of a bank's holding and thus its financial condition. Foreign exchange rates can be subject to relatively large and sudden swings, understanding and managing the risk associated with exchange rate volatility can be especially complex. Although it is important to acknowledge exchange rates as a distinct market risk factor, the valuation of foreign exchange instruments generally requires knowledge of the behavior of both spot exchange rates and interest rates. I would like to also talk about Liquidity Risk which is part of Market risk and as a result of lack of marketability of an asset that cannot be bought or sold quickly enough to prevent or minimize losses, a good example of Liquidity Risk and Funding Liquidity Risk was Kabul Bank.

Operational Risks

An operation risk is slightly different from market risk and credit risk because it concerns the internal operation of a company, rather than an exterior source of risk. Operational risk is the risk of a loss because of the failure of internal systems or processes or the errors of people working for a company. These may include system errors like computer failures, or losses to physical assets like fire, floods, or earthquakes. It may also include employee-caused problems like errors, fraud, theft, or other criminal activities. The collapse of Bearings and the derivatives disasters were one among several factors that led to the revision of Basel-I and giving the due importance to operational risk measurement and management. But the problem lies in the standard measure of operational risk. An increase in capital will



tory and economic capital requirements and gives supervisors discretion to increase regulatory capital requirements if weaknesses are found in a lender's internal capital assessment process. The aim of pillar 3 is to allow market discipline to operate by requiring lenders to publicly provide details of their risk management activities, risk rating processes and risk distributions. The main difference between Basel-I accord and Basel-II accord is that Basel-I accord was not confined with the rating factor and was based on the fact "one size fits all" but Basel-II accord mainly focuses on the rating factors of the borrowers.

How Does Risk Management Apply to Financial Decisions?

A very specific type of risk management relates to financial decisions taken in a business. In this context, risk management is not about eliminating risk but rather about controlling the way to take risks. It's different from some other types of risk management.

What is Risk Management?

Risk management is a process for mitigating or eliminating risk in a variety of different areas that may impact the operation of a business. Different strategies are used to manage risk depending on the business and the type of risk. In the case of financial risk management, this means making sure the financial risks that are taken are sound risks. This usually means codifying how the company makes these decisions as well as what constitutes a good financial risk. Risk Management Department established in February 2008 in the structure of Central Bank (DAB), the prime goal of this department is to exhort the banking industry to maintain efficient risk management ap-

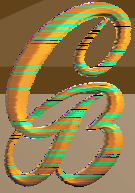
proaches fit to the nature of their businesses.

Financial Risk Management:

When companies make financial decisions, they always assume some degree of risk, especially when they're making decisions about investments. Financial risk management is a set of practices that allow a financial institution to optimize the way it takes financial risk. A financial risk management plan may include things like how the financial institution monitors risky activities and applies the risk process. The company's board or senior management decides the plan to guide how financial decisions are made. The three major components of risk that a bank faces credit risk, operational risk, and market risk.

Credit Risk

Credit risk is a type of risk that comes into play when a company is making loans, issuing credit cards, insuring, or investing in the debt of other companies. In these cases, the risk they're assuming is that the other party will default, in which case they'll lose the investment. A risk management plan for credit risks would apply a procedure for determining how much of a risk a particular investment is. It would also detail how much risk is too much and how much is acceptable. When someone is in need of financial help, one usually goes to a lender or a bank for a loan. However, not everyone who applies for one is approved. Why is this so? Banks have a system to determine and compute how much they would be risking in losses, should the debtor fail to pay. This practice is called the credit risk measurement, but how do banks measure credit risks? Risks can be measured in two different ways such as Qualitatively and Quantitatively. To judge a person quality wise in respect of



and MBA in International Management from University of London, and he is also CeMAP (Certified Mortgage Advisor Practitioner) and CeFA (Certified Financial Advisor) qualified from UK and passed first FRM paper. He worked as Senior Financial Advisor with Nationwide Building Society which is one of the biggest building society in UK for five years. He has achieved broad knowledge of Credit Risk, Market Risk, Operational Risk and Corporate Governance Risk by participating international trainings in Dubai and in London.

The Concept of Risk Management in Financial Industry:

I would like to illustrate the concept of Risk Management in the financial sector briefly as this is broad and complicated area. The BIS (Bank for International Settlement) gives recommendations concerning banks and other financial institutes on how to manage capital. The influence and reputation of the Basel Committee on Banking Supervision is of such nature that its recommendations are considered world wide as "best practice". But unfortunately due to lack of CIB (Credit Information Bureau) and External Rating Agencies DAB (Da Afghanistan Bank) not capable of implementation of Basel I or Basel II and commercial banks in Afghanistan.

Basel I is a set of international banking regulations put forth by the Basel Committee on Bank Supervision, which set out the minimum capital requirements of financial institutions with the goal of minimizing credit risk. Banks that operate internationally are required to maintain a minimum amount (8%) of capital based on a percent of risk-weighted assets. The bank must maintain capital (Tier 1 and Tier 2) equal to at least 8% of its risk-weighted assets. For example, if a bank has risk-weighted assets

of \$100 million, it is required to maintain capital of at least \$8 million.

The first accord was the Basel I, it was issued in 1988 and focused mainly on credit risk by creating a bank asset classification system. This classification system grouped a bank's assets into five risk categories: 0% for short term government bonds, 20% for exposures to OECD Banks, 50% for residential mortgages and 100% weighting on unsecured commercial loans. A new 150% rating comes in for borrowers with poor credit ratings e.g. subprime mortgages.

Basel II is the second of the Basel Committee on Bank Supervision's recommendations, and unlike the first accord, Basel I, where focus was mainly on credit risk, the purpose of Basel II was to create standards and regulations on how much capital financial institutions must have put aside. Banks need to put aside capital to reduce the risks associated with its investing and lending practices.

Basel II states that any system developed and implemented by a bank must be "credible and appropriate", "well reasoned", "well documented" and "transparent and accessible". Unfortunately, phrases such as 'credible', 'well reasoned', and 'transparent' are subjective and are open to interpretation by banks and their regulators. Basel II uses a "three pillars" concept – (1) minimum capital requirements (addressing risk), (2) supervisory review and (3) market discipline – to promote greater stability in the financial system. The first pillar deals with maintenance of regulatory capital calculated for three major components of risk that a bank faces: credit risk, operational risk, and market risk. Other risks are not considered fully quantifiable at this stage. Pillar 2 is intended to bridge the gap between regula-



Ahmed Siar Khoreishi

Chief Risk Officer, Ghazanfar Bank



Mr. Ahmed Siar Khoreishi had been approved by the authorities of Da Afghanistan Bank (Central Bank) for the position of Chief Risk Officer of Ghazanfar Bank and currently he is User Group Chairperson of SWIFT in

Afghanistan. He is a qualified and experienced banker with rich international experience including in the United Kingdom. He got his BA (Hons) in Business Financial Management from University of Westminster in London

This document was created with Win2PDF available at <http://www.win2pdf.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.
This page will not be added after purchasing Win2PDF.